

## افتتاح هزارمین مدرسه برکت و آغاز ساخت

## ۲۱ مدرسه در مناطق زلزله زده

❖ رئیس دفتر مقام معظم رهبری: بخشی از محتوای فضای مجازی بنیان خانواده‌ها را متزلزل کرده است

❖ اگر دست نیاز به سمت دشمن روان کنیم نمی‌توانیم ادعای استقلال داشته باشیم

❖ دکتر محمد مخبر رئیس ستاد اجرایی فرمان امام<sup>(ع)</sup>: اشتغال‌زایی، محوری‌ترین کار بنیاد برکت است

صفحه ۲

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۶ - یکم ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ - ۲۰ دسامبر ۲۰۱۷ - سال نودیدوم - شماره ۲۶۸۹۴ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان - سایر استان ها ۲۰۰ تومان

در اولین اجلاس ملی رفع موانع تحقق شهروندی

# دکتر روحانی: برای مبارزه با فساد

# همه باید در اتاق شیشه‌ای باشیم



رونمایی از کتاب «جستارهایی درباره حقوق شهروندی»

❖ اگر صدها دستگاه مبارزه با فساد در ست کنیم، اگر ده‌ها دادگاه با فساد مبارزه کنند، نمی‌توانیم فساد را ریشه‌کن کنیم، مگر آنکه مردم به صورت شفاف ببینند ما چه می‌کنیم

❖ هیچ مسئولی بالاتر از قانون نیست و همه باید مطیع قانون باشیم

❖ حق همه مردم است که بدانند چه تصمیماتی در هر وزارتخانه اتخاذ می‌شود

❖ فهرست بلندبالایی از ۱۷ دستگاه مختلف وجود داشت که فقط پول از ما می‌گرفتند، می‌پرسیدیم این پول را کجا صرف کردید

می‌گفتند به شما ربطی ندارد

❖ اگر بنا شد دستگاهی از بیت‌المال و جیب مردم پولی بگیرد باید گزارش بدهد و به مردم بگوید این پول را چه کرده است تا شفاف‌سازی شود

❖ بنیاد دانشجوی ستار دار داشته باشیم

❖ غیر از مواردی مانند تروریسم، جنایات سازمان یافته و توطئه علیه کل کشور، دیگر شنود نداریم و این مصوبه شورای عالی امنیت ملی است

❖ به عنوان رئیس جمهوری سر پیمان خودم تا آخر خواهم بود

❖ روحانی در تمامی ساعات دولت دوازدهم به شما، رأی، نظر حمایت و انتقاد شما نیازمند است

❖ به‌رنام می‌ماند و ما راه را ادامه می‌دهیم

❖ دولت دوازدهم از فضای مجازی، فضای اینترنت و ارتباط مردم با دنیا حراست خواهد کرد

❖ فضای ارتباط مردم با جهان، حفظ خواهد شد و مادنبال فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی نخواهیم بود

صفحه ۲

## حمله موشکی ارتش یمن

## به کاخ پادشاهی ریاض

❖ یگان موشکی ارتش یمن در واکنش به جنایات سعودی‌ها، کاخ پادشاه عربستان در ریاض را با موشک بالستیک «برکان‌اچ» هدف گرفت

❖ رویترز از شنیده شدن صدای انفجار و برخاستن دود عظیم در آسمان ریاض خبر داد

صفحه ۱۶

# شمخانی: فرآیند رفع حصر در حال انجام است

❖ تصمیم اتخاذ شده برای ایجاد گشایش در وضع آقایان کروب، موسوی و خاتم‌رهنورد به صورت تدریجی در حال انجام است

❖ فضا سازی‌های رسانه‌ای کمکی به موضوع محصورین نمی‌کند و مراجع مسئول بر اساس تصمیمات اتخاذ شده

مدیرعامل آبیای استان تهران در گفتگو با اطلاعات:

## برای رفع تمرکز جمعیت در استان تهران باید چاره‌ای اندیشید

❖ مهندس پرورش: نگاه توسعه پایدار اجازه نمی‌دهد که این تعداد جمعیت در استان تهران و حومه آن استقرار یابد

❖ قوای ۳ گانه باید روی بارگذاری جمعیت در استان تهران کار کنند

❖ استقرار ۱۴ میلیون شهروند معادل ۲۰ درصد جمعیت در سطحی کمتر از ۱/۵ درصد مساحت کشور اصلا با

ظرفیت‌های زیستی مطابقت ندارد

❖ عمق چاه‌های آب دشت‌های تهران به ۳۰۰ تا ۳۵۰ متر رسیده است

صفحه ۴

## هوای تهران برای همه افراد ناسالم است

❖ انتظار می‌رود تا پایان امروز وضع کیفی هوای بیشتر مناطق شهر تهران همچنان در شرایط نامطلوب برای همه

افراد جامعه قرار داشته باشد

❖ شاخص کیفیت هوای تهران دیروز ۱۵۱ و ناسالم برای همه افراد بود

❖ مدارس شهر تهران امروز برای چهارمین روز متوالی به دلیل آلودگی هوا تعطیل شدند

صفحه ۲



ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

صفحه ۱۲

فساد در تاروپود دستگاه سیاسی آل سعود



صفحه ۱۱

حمله عراق به پالایشگاه اصفهان و درایت نیروی هوایی ایران



صفحه ۶

آینه‌دار مهر



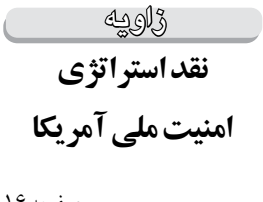
صفحه ۵

چهار محال و بختیاری پیشاز اقتصاد مقاومتی



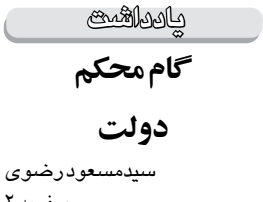
صفحه ۱۶

نقد استراتژی امنیت ملی آمریکا



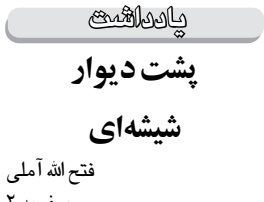
صفحه ۲

گام محکم دولت



صفحه ۲

پشت دیوار شیشه‌ای



صفحه ۲

حضور گرمی حبیب‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

افشین علاء

حفاظت از سفرهای آبی زیرزمینی به منزله حفظ حیات است

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

فقدان همراه مخلص و وفادار شما و یار دیرین جد بزرگوار و والد گرمی تان ابوالشهیاد حاج سید رحیم میربان را به جنابعالی، خانواده وادعدار ایشان و بیت مکرم امام راحل تسلیت عرض می‌کنم.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)

«إذا مات العالم فقهه تلم فى الاسلام تلمة لايسدّها شيء»

آیت الله سید علی غیوری

والد بزرگوار شهید والا مقام سید حسن غیوری

یاروفادار و دیرین حضرت امام خمینی (قدس سره‌الشهدا) ومقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)

مراسم بزرگداشت روز جمعه ۱۳۹۶/۱۰/۱ بعداز نماز مغرب و ششامسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)

واقع در شهر ری-میدان شهید سیفی (مضافیه) برگزار می گردد

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۴۲۸۵

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید تأمین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکت‌هایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت به عمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: FBP-9420010-FB/MS

۲- موضوع مناقصه: میرمان و اقلام آسازى صنعتی

۳- آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم

۴- آخرین مهلت ارائه پیشنهادهاى متقاضیان: ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می‌باشد.

۵- توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند راجع کار به مبلغ ۳۸۸,۹۲۵,۰۰۰ ریال با اعتبار ۵ ماهه و قابل تمدید برای یک دوره مشابه به مدت کسب حداقل امتیاز قابل قبول

۶- متقاضیان می‌توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOCCOIR بخش مناقصات تهیه نمایند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۰۲۱-۲۲۹۴۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

۸- مهلت ارسال پیشنهادها: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد پال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۱۱، اتاق ۱۶-۹، کمپسین مناقصات.

۹- مناقصه‌گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده‌اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک نداشته و صرف تکمیل جداول ارزیابی و اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می‌کند.

۱۰- تکمیل جداول ارزیابی الزامی می‌باشد. عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاددهندگان می‌گردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران











**زنگنه: مجموع قیمت بنزین و گازوئیل**

**پیش از ۲۰۰۰ تومان نمی شود**

ابهاماتی دربارهٔ سرستان رئیس جمهوری در زمینه نحوه افزایش قیمت بنزین و گازوئیل مطرح شد، اما منظور وی این است که مجموع قیمت این دو فراورده از نصف قیمت جهانی آنها بعد از افزایش بیشتر نخواهد شد.

بیزن نامدار زنگنه روز پنجشنبه در گفتگو با خبرنگاری صدا و سیما همچنین گفت: قیمت بنزین یک هزار تومان و گازوئیل را ۲۰۰ تومان محاسبه کنیم، قیمت جهانی این دو فراورده اکنون بالای ۴ هزار تومان است و منظور این بود که قیمت مجموع بنزین و گازوئیل در هر شرایطی و با هر افزایشی بیشتر از ۲ هزار تومان نخواهد شد.

وی دربارهٔ پیشنهاد وزارت نفت برای قیمت بنزین و گازوئیل در لایحه بودجه سال ۸۷ تصریح کرد: ما پیشنهاد قیمت نمی دهیم و دولت هر زمانی که تصمیم به اضافه کردن قیمت گرفت، اعلام می شود و هنوز این موضوع در مرحله ای نیست که بتوان قیمتی را برای اطلاع مردم اعلام کنیم.

وزیر نفت در پاسخ به سئوالی دربارهٔ مطرح شدن قیمت های هزار و ۵۰۰ و ۴۰۰ تومان بسرای بنزین و گازوئیل در خبرگزاری‌ها گفت: این قیمت‌ها را ما من هم شنیده‌ام اما تا زمانی که دولت اعلام نکند همه چیز باید باقی‌مانده دانست.

وی درسراهر میزان افزایش قیمت بنزین و گازوئیل اظهار بی اطلاعی کرد و افزود: رئیس جمهوری سقف افزایش را اعلام کرده است؛ البته ما گزینه‌های مختلفی را مطرح کردیم و هر نوعی که تصمیم گیری شود، آماده اجرا هستیم.

## زنان تحصیل کرده دارای بیشتر نرخ بیکاری

نتایج یک پژوهش درباره چالش‌های اقتصادی حضور زنان در آموزش عالی نشان می دهد بیشترین نرخ بیکاری کشور به زنان تحصیل کرده تعلق دارد، اما حضور زنان در مقاطع مختلف افزایش یافته است.

به گزارش مهر، دکتر ذکریاامیرا علم‌ی در گزارشی از پژوهش «دستاوردها و چالش‌های اقتصادی حضور زنان در آموزش عالی» در باغ‌نگارستان دانشگاه تهران گفت: یکی از دستاوردهای این پژوهش این است که زنان آکادمیک‌ها با آموزش منتهی به بازار کار خود را از فقر نجات دهند. البته در پژوهش تأثیر آموزش بر نرخ مشارکت اقتصادی نیز بررسی شد و مشخص شده است که زنان تحصیل کرده، نسبت به سایر گروه‌های نرخ زن مشارکت بالاتری داشتند. تعداد دانشجویان در مقاطع مختلف آموزش عالی با بازار کار تناسب ندارد. زنان در بخش بیکاری مهم امروز خود را آینده دانشجوایان در بازار کار ذکر و بیان کرد: با قشری در این تحقیق به عنوان تحصیل‌کرده علاف مواجهیم که بعد از تحصیل در خانه مانده است و وارد بازار کار نمی‌شود. یعنی، امروزه وضعیت تعداد دانشجویان در مقاطع مختلف آموزش عالی با بازار کار تناسب ندارد. زنان در پست‌های مدیریتی آموزشی و بهداشتی فعال هستند، اما پیش از آنکه لازم باشد به پست‌های مدیریتی برای زنان پیشنهادشیم باید به بیکاری دختران و زنان تحصیل کرده، فکر کنیم. علیمی گفت: بیکاری زنان و اشتغال بردهانه شده است. بحث من بحث سهمیه جنسیتی نیست، بلکه بحث شایسته‌سالاری است و تا زمانی که نتوانیم بازار کار را به شکلی برای جذب زنان آماده کنیم، مشکل ما ادامه دارد.

دکتر امیدیلا احمدی نیز در خصوص پژوهشی با عنوان تأثیر تحصیلات عالی زنان بر آیدن مختلف زندگی خانواده، گفت: بی‌برنامگی در آموزش عالی منجر به آماده شدن دانشجوایان برای ساختارهای اجتماعی آماده خانواده است و این شفاف بین آموزه‌های آموزش عالی و آموزدهای مورد نیاز در زندگی عملی و خانوادگی، امکانی را برای گفتمان ستنی فراهم می‌کند تا ادعا کند که آموزش عالی به ضرر خانواده است و ازدواج را به معای ستنی ترویج کنند و دختران را به خانه برگرداند، اما این امر شدنی نیست.

### ۱۰۰ واحد تولیدی در مناطق آزاد مشغول فعالیت هستند

پیش از یک هزار کارخانه با ایجاد اشتغال پایدار در مناطق آزاد مشغول به فعالیت هستند که نباید از نظر ه‌ا دور بماند.

دبیر شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با تکیه بر مسأله‌های اقتصادی کشور بر اساس منابع شکل گرفته است و رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و بین المللی در افزایش منافع، کارکرد مستقیم دارد.

به گزارش ایرنا، مرتضی بانک در نشست کارگروه تخصصی شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی افزود: تحریم ها سالهاست بر روی فعالیت‌های اقتصادی کشور تاثیر گذارنده و این کشور در دوران مختلف کم‌رنگ و پررنگ شده است. در این شرایط، توسعه مناسبات و روابط پایدار، حفظ اشتغال، اقتصاد مناسبات و تکیه بر توان داخلی می تواند کشور را از تحریم ها مصون نگه دارد.

مشاور رئیس جمهوری تصریح کرد: ایران کنشوری مستقل است و به تقویت سیاست های بین المللی و ساختارهای اقتصادی نیازمند است و همکاری و وحدت به عنوان راهکار اصلی حفظ استقلال کشور، موجب افزایش توانمندی های کشور می شود.

دبیر شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با بیان اینکه در حال حاضر مناسبات اقتصادی با ایران روند مطلوب تری پیدا کرده است، افزود: انما نباید از نظر دور داشت که نگاه به توسعه روابط با کشورها باید به صورت بلندمدت، با استراتژی و دانشت برنامہ ریزی و محوری باشد.

وی بسا تأکید بر اینکه باید توانمندی های اقتصادی و سیاسی را به روز کنیم؛ افزود: دانشت ۱۵هسایه برای کشور یک فرصت است و وجود رقابتست های موجود و جدی بر فرض میان هند و چین با پاکستان و افغانستان از به آسیای میانه

و برای ایران یک فرصت بالایی برای بهر هندی از این رقابت های منطقه ای است.

مشاور رئیس جمهوری یادآور شد: ایران می تواند از ظرفیت های خود برای خود بیشتر استفاده کند و حضور مناطق آزاد که پیرامون کشور گسترده شده اند، فرصتی برای توسعه همکاری

ایران با این کشورها و استفاده از شرایط همسایگی و همجواری است.

وی در کارگروه تخصصی شوراییالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی تصریح کرد: اگر قوانین مناطق آزاد به صورت کامل عملی و اجرایی شود می توان گفت این مناطق، آزاد شده اند.

## برای رفع تمرکز جمعیت در استان تهران باید چاره‌ای اندیشید

نگاه توسعه پایدار اجازه نمی دهد که این تعداد جمعیت در استان تهران و حومه آن استقرار یابند بنابراین قوای سه گانه باید روی بازگاری جمعیت در استان تهران متمرکز و برای آن چاره اندیشی کنند.

مدیرعامل آبنای استان تهران در گفتگو با خبرنگارگ اطلاعات در پاسخ به اینکه چرا با وجود اختصاص حقابه استان‌های همجوار به استان تهران وزارت نیرو رسماً اعلام نمی کند که پایتخت دیگر منبع آب برای توسعه ندارد اما معضل مهاجرت بی رویه به تهران لاقلاً به بهانه کمبود آب مورد تصمیم گیری مسئولان قرار بگیرد، گفت:البته فقط در تهران با این مشکل مواجه نیستیم بلکه وضع شهرهای اطراف تهران بیادام می کند.

مهندس محمد پورورش تصریح کرد: ما در حوزه ای افتاده ایم که باید این خدمت را ارائه دهیم تا نظم بر هم نریزد. وزارت نیرو با هر روزرانخانه ای نمی تواند به تنهایی درباره بهجت مهاجرت گسترده به استان تهران و پایتخت تصمیم گیری بنشاند. البته این کلیت نظام است که باید به حال این موضوع فکری کند؛ زیرا اگر نگاه توسعه پایدار داشتیم، این حجم از جمعیت نباید به محیط زیست محدود و شکننده تهران تحمیل می شد.

وی با بیان اینکه همه قوا و دستسگاه‌ها باید روی پارگذاری جمعیت در استان تهران کار کنند ادامه داد: در گام اول باید پیشگیری از مهاجرت در دستور کار قوا قرار بگیرد تا سسرت مهاجرت کم نشود تا پس از آن بتوان ساماندهی جمعیت را آغاز کرد. اما متأسفانه موضوعی که اکنون در حال اتفاق افتادن است، رشد جمعیت تهران و شهرهای اطراف آن و استقرار موجی از جمعیت از طریق مسکن میهم پرزند و پردیس در حومه تهران است.

به گفته مدیرعامل آبنای استان تهران، سطح تهران با اینکه کمتر از یک و نیم درصد تولید ناخالص داخلی ۱۴ میلیون شهروند را معادل ۸۰ درصد جمعیت کشور اصلاً با ظرفیت زیستی آن مطابقت ندارد. از سوی دیگر به دلیل فقدان یک سامانه آبی بزرگ مانند یک رودخانه پر آب در استان تهران و استقرار این تعداد از جمعیت، مجبوریم به منابع آب زیرزمینی متوسل شویم که این کار عمق چاه‌های دشتت‌های آب تهران را به ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر رسانده است و بنابراین مجبوریم با دیگر استان‌ها را به استان تهران بیاوریم.

وی این امریادوری کرد با حضور دکتر اردکانیان در وزارت نیرو و تخصص آبی ایشان شاهد اتفاقات خوب باشیم و در آینده نشان‌دار کرد؛ باید صرفاً دنبال عرضه پایدار (زیر آبن صورت باید سدهای دیگری احداث شوند، بنابراین ضروری است خلأهای فراوان در کشور عرضه را از بین ببریم. از جمله با استفاده از لاروم کاهنده و رعایت نکات فنی می توان مصرف را از ۲۴۰ لیتر به ۱۵۰ لیتر کاهش داد. قرار نیست منابع آب کشور را فدای بخش کشاورزی و کاشت محصولات با آبیاری آبی بالا کنیم؛ باید مانند دنیا تجارت مجاری آب راه اندازیم؛ بنابراین، در مورد مصرف بالای آب در همه بخش‌ها باید فکری اصولی و اقدام جدی توسط مسئولان انجام شود.

نامبرده در پاسخ به این سوال که چرا از طریق ایجاد

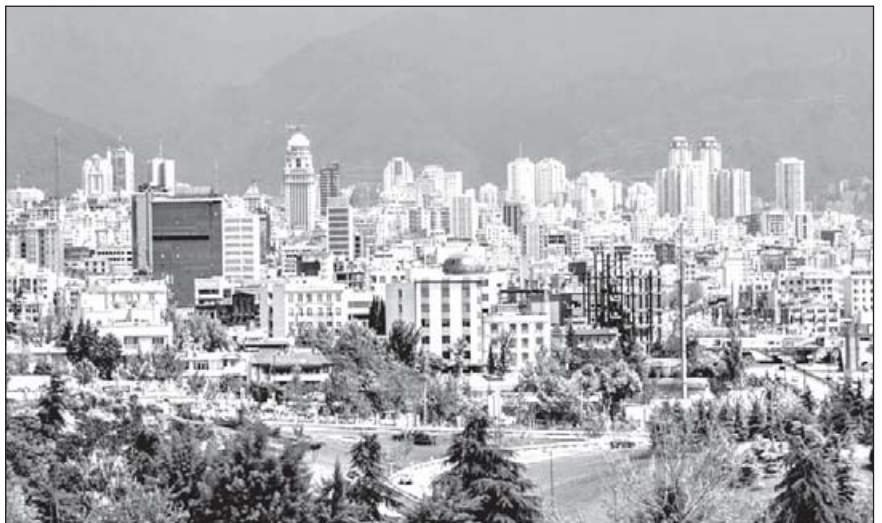
### اخبار داخلی

## برای رفع تمرکز جمعیت در استان تهران باید چاره‌ای اندیشید

برای فضای سبز در نظر گرفته شده است که در این زمینه برای تصفیه خانه محلی در سرخه حصان لویزان و فاضلاب ۲۲ احداث کرده ایم که سبب آن به فضای سبز اختصاص یابد تا فشار بر چاه‌ها به تدریج کاهش یابد.

مدیرعامل آبنای استان تهران در بخش دیگری از سخنان خود گفت: برای سال آبی جاری سازمان هواشناسی وضع بارندگی را نرمال پیش بینی کرده بود، اما در دو ماه ابتدای سال آب در استان شاهد هیچگونه بارندگی نبودیم.

امیدواریم که در ماه‌های باقی مانده از سال شاهد بارش



به صورت پایلوت اجرا کردیم. اقتصاد آب اجازه نداد کسی انگیزه اجرای آن را داشته باشد. زیرا شهروندان برای یک تفاوت قیمت چند هزار تومانی باید ۳۰۰ میلیون خرج جاسازی انشعاب می کردند؛ پس موفقیتی حاصل نشد.

وی با بیان اینکه تا قرار نگرفتن اقتصاد آب در مسیر اصلاح نمی توان انتظار تحولات بزرگ و مهم در این بخش را داشت. یادآور شد: در حالی نیم لیتر آب معدنی ۵۰۰ تومان به مردم فروخته می شود که وزارت نیرو ناچار است دو هزار برابر این حجم آب در همین قیمت به مصرف بکند؛ نفروشد که در سایه این نوع قیمت شاید نه مصرف بیهی می شود و نه اقدامات بنیادین در جهت بهینه سازی تاسیسات و مدیریت مصرف را می توان انجام داد.

پوروش افزود: در توسعه پایدار همه عوامل باید در کنار هم پیش بروند نه اینکه یک دستگه به جای استفاده از سباسب، آب چاه را صرف آبیاری چمن بر مصرف کند و این نعمت بزرگ را به بهای چمن کاری از بین ببرد. در توسعه پایدار باید اقتصاد آب، بحث کشاورزی، سباسب و فضای سبز همه در کنار هم دیده و مدیریت شوند. در این زمینه به یک اقدام همه جانبه و بین دستگاهی نیاز داریم.

وی در پاسخ به اینکه آیا قصد نادیده گرفتن جدید تهران را قانع کنید که چمن کاری ویژه اقلیم خشک ایران نیست تا در ایجاد فضای سبز تهران بازنگری کند؛ گفت: در مدل جدید فاضلاب تهران، ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب

### کشف ذخایر معدنی جدید

## در خراسان جنوبی و همدان

سازمان زمین شناسی برای توسعه اکتشافات معدنی با سازمان توسعه و

نوسازی معادن و صنایع معدنی همکاری می کند.

به گزارش خیرنگرام، دکتر مهدی کراییان معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و هیأت عامل سازمان توسعه و معادن و صنایع

معنی ایران(ایلمپروز) دیروز در نشست مشترک با مدیران سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور اعلام کرد: ۲۵ هزار مترمکعب مریم از مساحت کشور کشفهای کلی دویست و پنجاههزار تنی مس و سرب است که در آن ۱۵محدوده

معدنی با ذخایر عیار بالا شناسایی شده است. به گفته کراییان، آگهی مناقصه واگذاری این پهنه‌های جدید به بخش خصوصی فته آینده منتشر می شود.

مهندس بهروز برنا معاون اکتشاف سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی

هم در این نشست آمادگی این سازمان را نسبت به همکاری با ایلمپروز در

محدوده معدنی سنگان اعلام کرد و گفت در چندترین مطالعات سازمان

زمین‌شناسی ۱۹محدوده جدید ایدمیشش منابع فلزی در خراسان‌جنوبی شامل

قلم، تنگسکن، طلاسرب و روی و همچنین ۱۰ محدوده ایدمیشش در خراسان

شمالی و ۱۶ محدوده در استان همدان کشف شده است.

گفته‌شده است که تا پایان سال ۹۶ میلادی اعلام شد.

به گزارش روابط عمومی شورای عالی مناطق آزاد، براساس تفاهنامه مذکور سهمیه واردات پوشاک مناطق آزاد به این شرح تعیین شده است:

سهمیه پوشاک منطقه آزاد انزلی ۹ میلیون

دولار و سهمیه واردات پوشاک از کشور ترکیه ۸۰۰ هزار دلار، سهمیه پوشاک منطقه آزاد ارس

۸ میلیون دلار و سهم واردات پوشاک از کشور

ترکیه ۵ میلیون دلار، سهمیه پوشاک منطقه آزاد ماکو ۸ میلیون دلار، سهمیه پوشاک منطقه آزاد اروند ۲ میلیون دلار و سهم واردات پوشاک

از کشور ترکیه ۵۰۰ هزار دلار، سهمیه پوشاک منطقه آزاد قشم ۱۰ میلیون دلار، سهمیه پوشاک

منطقه آزاد قشم ۲۰ میلیون دلار و سهمیه پوشاک منطقه آزاد چابهار ۱۰ میلیون دلار همچنین سهم

کل کالای همراه مسافر در مناطق آزاد هفت گانه کشور به این شرح تعیین شد: سهمیه کل کالای

همراه مسافران منطقه آزاد ارس ۳۳ میلیون دلار، سهمیه کل کالای همراه مسافر منطقه آزاد اروند ۳۰ میلیون دلار، سهمیه کل کالای همراه مسافر

منطقه آزاد قشم ۵۵ میلیون دلار، سهمیه کل کالای همراه مسافر منطقه آزاد قشم ۳۰ میلیون

دلار، سهمیه کل کالای همراه مسافر منطقه آزاد ماکو ۱۱ میلیون دلار سهمیه کل کالای همراه

مسافران منطقه آزاد چابهار ۳۰ میلیون دلار، سهمیه کل کالای همراه مسافر منطقه آزاد انزلی ۱۷ میلیون دلار.

هفتاد و دومین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی که دیشب به ریاست وزیر اقتصاد و با حضور

نمایندگان قوای سه گانه و رؤسای اتاق‌های بازرگانی، تعاون و اصناف کل کشور در تهران تشکیل شد، کاوون گلاب‌های

جدی‌وزیر اقتصاد از کم‌کاری فعالان اقتصادی بخش خصوصی در صورت صادرات غیرنفتی بود.

کمیسیون ایران با دو کشور روسیه و جمهوری آذربایجان برگزار شد، به موضوع ملوم صادرات کالاهای ایرانی به

کشورهای مشترک‌المنافع و به‌ویژه روسیه پرداخت.

فولان اقتصادی بخش خصوصی در این جلسه خواستار شناسایی کالاهای میز‌تدار و فروش بازار فروشگاهی استانی

برای صادرات کالاهای ایرانی به روسیه شدند و از گرانی صادرات ایران به این کشور به سبب سیاست‌های پولی،

بانکی و تجاری دولت و عدم حمایت دستگاه‌های دولتی، از تاجار ایرانی در روسیه گلایه کردند.

در کسمود کراییان، وزیر اقتصاد هم در این جلسه در پاسخ به گلایه‌های مطرح شده با اظهار تاسف نسبت

به برخی کم‌کاری‌های فعالان اقتصادی بخش خصوصی که منجر به کاهش صادرات غیرنفتی در مباحث اخیر و افزایش

تراز منفی تجاری ایران شده است، گفت: در همین بازار روسیه طرف‌های روس نسبت به ارائه تخفیف تعرفه‌ای

تا سقف ۲۵درصد به اسناد صادراتی ایران در قالب ریدیزر سبز اعلام آمادگی کردند ولی هرگز تاجار ما از این فرصت

استفاده نبرند و اکنون فقط یک شرکت ایرانی از تخفیف این کشور به‌طور جدی بهره‌گیری کرده است.

### اخبار داخلی

## برای رفع تمرکز جمعیت در استان تهران باید چاره‌ای اندیشید

برای فضای سبز در نظر گرفته شده است که در این زمینه برای تصفیه خانه محلی در سرخه حصان لویزان و فاضلاب ۲۲ احداث کرده ایم که سبب آن به فضای سبز اختصاص یابد تا فشار بر چاه‌ها به تدریج کاهش یابد.

مدیرعامل آبنای استان تهران در بخش دیگری از سخنان خود گفت: برای سال آبی جاری سازمان هواشناسی وضع بارندگی را نرمال پیش بینی کرده بود، اما در دو ماه ابتدای سال آب در استان شاهد هیچگونه بارندگی نبودیم.

امیدواریم که در ماه‌های باقی مانده از سال شاهد بارش

به صورت پایلوت اجرا کردیم. اقتصاد آب اجازه نداد کسی انگیزه اجرای آن را داشته باشد. زیرا شهروندان برای یک تفاوت قیمت چند هزار تومانی باید ۳۰۰ میلیون خرج جاسازی انشعاب می کردند؛ پس موفقیتی حاصل نشد.

وی با بیان اینکه تا قرار نگرفتن اقتصاد آب در مسیر اصلاح نمی توان انتظار تحولات بزرگ و مهم در این بخش را داشت. یادآور شد: در حالی نیم لیتر آب معدنی ۵۰۰ تومان به مردم فروخته می شود که وزارت نیرو ناچار است دو هزار برابر این حجم آب در همین قیمت به مصرف بکند؛ نفروشد که در سایه این نوع قیمت شاید نه مصرف بیهی می شود و نه اقدامات بنیادین در جهت بهینه سازی تاسیسات و مدیریت مصرف را می توان انجام داد.

پوروش افزود: در توسعه پایدار همه عوامل باید در کنار هم پیش بروند نه اینکه یک دستگه به جای استفاده از سباسب، آب چاه را صرف آبیاری چمن بر مصرف کند و این نعمت بزرگ را به بهای چمن کاری از بین ببرد. در توسعه پایدار باید اقتصاد آب، بحث کشاورزی، سباسب و فضای سبز همه در کنار هم دیده و مدیریت شوند. در این زمینه به یک اقدام همه جانبه و بین دستگاهی نیاز داریم.

وی در پاسخ به اینکه آیا قصد نادیده گرفتن جدید تهران را قانع کنید که چمن کاری ویژه اقلیم خشک ایران نیست تا در ایجاد فضای سبز تهران بازنگری کند؛ گفت: در مدل جدید فاضلاب تهران، ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب

به صورت پایلوت اجرا کردیم. اقتصاد آب اجازه نداد کسی انگیزه اجرای آن را داشته باشد. زیرا شهروندان برای یک تفاوت قیمت چند هزار تومانی باید ۳۰۰ میلیون خرج جاسازی انشعاب می کردند؛ پس موفقیتی حاصل نشد.

وی با بیان اینکه تا قرار نگرفتن اقتصاد آب در مسیر اصلاح نمی توان انتظار تحولات بزرگ و مهم در این بخش را داشت. یادآور شد: در حالی نیم لیتر آب معدنی ۵۰۰ تومان به مردم فروخته می شود که وزارت نیرو ناچار است دو هزار برابر این حجم آب در همین قیمت به مصرف بکند؛ نفروشد که در سایه این نوع قیمت شاید نه مصرف بیهی می شود و نه اقدامات بنیادین در جهت بهینه سازی تاسیسات و مدیریت مصرف را می توان انجام داد.

پوروش افزود: در توسعه پایدار همه عوامل باید در کنار هم پیش بروند نه اینکه یک دستگه به جای استفاده از سباسب، آب چاه را صرف آبیاری چمن بر مصرف کند و این نعمت بزرگ را به بهای چمن کاری از بین ببرد. در توسعه پایدار باید اقتصاد آب، بحث کشاورزی، سباسب و فضای سبز همه در کنار هم دیده و مدیریت شوند. در این زمینه به یک اقدام همه جانبه و بین دستگاهی نیاز داریم.

وی در پاسخ به اینکه آیا قصد نادیده گرفتن جدید تهران را قانع کنید که چمن کاری ویژه اقلیم خشک ایران نیست تا در ایجاد فضای سبز تهران بازنگری کند؛ گفت: در مدل جدید فاضلاب تهران، ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب

به صورت پایلوت اجرا کردیم. اقتصاد آب اجازه نداد کسی انگیزه اجرای آن را داشته باشد. زیرا شهروندان برای یک تفاوت قیمت چند هزار تومانی باید ۳۰۰ میلیون خرج جاسازی انشعاب می کردند؛ پس موفقیتی حاصل نشد.

مدیرعامل آبنای استان تهران در گفتگو با خبرنگارگ اطلاعات در پاسخ به اینکه چرا با وجود اختصاص حقابه استان‌های همجوار به استان تهران وزارت نیرو رسماً اعلام نمی کند که پایتخت دیگر منبع آب برای توسعه ندارد اما معضل مهاجرت بی رویه به تهران لاقلاً به بهانه کمبود آب مورد تصمیم گیری مسئولان قرار بگیرد، گفت:البته فقط در تهران با این مشکل مواجه نیستیم بلکه وضع شهرهای اطراف تهران بیادام می کند.

مهندس محمد پورورش تصریح کرد: ما در حوزه ای افتاده ایم که باید این خدمت را ارائه دهیم تا نظم بر هم نریزد. وزارت نیرو با هر روزرانخانه ای نمی تواند به تنهایی درباره بهجت مهاجرت گسترده به استان تهران و پایتخت تصمیم گیری بنشاند. البته این کلیت نظام است که باید به حال این موضوع فکری کند؛ زیرا اگر نگاه توسعه پایدار داشتیم، این حجم از جمعیت نباید به محیط زیست محدود و شکننده تهران تحمیل می شد.

وی با بیان اینکه همه قوا و دستسگاه‌ها باید روی پارگذاری جمعیت در استان تهران کار کنند ادامه داد: در گام اول باید پیشگیری از مهاجرت در دستور کار قرار بگیرد تا سسرت مهاجرت کم نشود تا پس از آن بتوان ساماندهی جمعیت را آغاز کرد. اما متأسفانه موضوعی که اکنون در حال اتفاق افتادن است، رشد جمعیت تهران و شهرهای اطراف آن و استقرار موجی از جمعیت از طریق مسکن میهم پرزند و پردیس در حومه تهران است.

به گفته مدیرعامل آبنای استان تهران، سطح تهران با اینکه کمتر از یک و نیم درصد تولید ناخالص داخلی ۱۴ میلیون شهروند را معادل ۸۰ درصد جمعیت کشور اصلاً با ظرفیت زیستی آن مطابقت ندارد. از سوی دیگر به دلیل فقدان یک سامانه آبی بزرگ مانند یک رودخانه پر آب در استان تهران و استقرار این تعداد از جمعیت، مجبوریم به منابع آب زیرزمینی متوسل شویم که این کار عمق چاه‌های دشتت‌های آب تهران را به ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر رسانده است و بنابراین مجبوریم با دیگر استان‌ها را به استان تهران بیاوریم.

وی این امریادوری کرد با حضور دکتر اردکانیان در وزارت نیرو و تخصص آبی ایشان شاهد اتفاقات خوب باشیم و در آینده نشان‌دار کرد؛ باید صرفاً دنبال عرضه پایدار (زیر آبن صورت باید سدهای دیگری احداث شوند، بنابراین ضروری است خلأهای فراوان در کشور عرضه را از بین ببریم. از جمله با استفاده از لاروم کاهنده و رعایت نکات فنی می توان مصرف را از ۲۴۰ لیتر به ۱۵۰ لیتر کاهش داد. قرار نیست منابع آب کشور را فدای بخش کشاورزی و کاشت محصولات با آبیاری آبی بالا کنیم؛ باید مانند دنیا تجارت مجاری آب راه اندازیم؛ بنابراین، در مورد مصرف بالای آب در همه بخش‌ها باید فکری اصولی و اقدام جدی توسط مسئولان انجام شود.

نامبرده در پاسخ به این سوال که چرا از طریق ایجاد

پایشم با برانیم برای سال آینده بدون هرگونه تنشش استان را مدیریت کند.

وی گفت: البته برای عبور از مواقع بحران پروژه رنگین تهران را آغاز کردیم که دو قسمست آن به بهره برداری

رسیده است و امیدواریم ظرف دو سال آینده کار آن را به اتمام برسانیم.

**کاهش سرانه منابع آب تجدیدپذیر**

معاون بهره‌برداري شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور گفت: سرانه منابع آب تجدیدپذیر ایران در سال ۱۳۰۰به ازای هر نفر معادل ۱۳هزار مترمکعب بود؛ این درحالی است که در سال آبی ۹۶-۹۵این عدد به ۲۰۰مترمکعب کاهش یافته است.

به گزارش اسپنا، شاهین پارکوح در نخستین همایش ملی مدیریت مصرف و هدررفت آب با بیان اینکه شرایط

منابع آبی در کشور معقول نیست، اظهار داشت: بیش از ۹۰درصد منابع در اختیار در داخل کشور استفاده می‌شود

که اگر ما همین روش پیش ببریم، بحران آب بسیار جدی‌تر خواهد شد.

وی ادامه داد: علیرغم اینکه در زمینه سرانه منابع آب، کمترین میزان را به نسبت کشورهای دیگر داریم، سرانه مصرف آب به غیرمنطقی است؛ به طوری که

۱۶۰-۱۵۰لیتر به ازای هر نفر در ششماه روز سرانه مصرف دارد و باید گفت که اگر با این روند ادامه دهیم،

برنامه راه اندازی قطارهای حومه‌ای در اطراف شهرهای جدید کشور تشریح شد.

دکتر حبیب الله طاهرخانی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید دیروز در جمع خبرنگاران اعلام کرد: بزودی قطار حومه‌ای برقی تهران به شهر جدید

اندیشه راه‌اندازی می‌شود. همچنین پروژه قطار برقی حومه‌ای تبریز- سهند- تهران- پردیس و شیراز- صدرا جزه اولویت‌های شرکت عمران شهرهای جدید است.

طاهرخانی ادامه داد: در حمل و نقل شهرهای جدید ۳ پروژه را دنبال می‌کنیم که یکی حمل و نقل

آزادراهی نظیر آزادراه تهران-پردیس است. این شرکت همچنین آزادراه تبریز- سهند را در دستور کار قرار داده که ۱۸ ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد؛ این آزادراه نقش مؤثری در کاهش تلفات

سوانح رانندگی و مسائل کلان‌شهر تبریز دارد.

وزیر اقتصاد همچنین مسئولان بانک مرکزی خواست

تاد در تجارت با روسیه به سمت استفاده از پول ملی دو کشور حرکت کنند زیرا این موضوع در مذاکرات متعدد میان روسای

جمهوری دو کشور به تصویب رسیده است.

کراییان ادامه داد: اگرچه فعالان اقتصادی نسبت به بالابودن هزینه حمل جادای و دریای کالا به روسیه گلایه

دارند ولی هنوز از تسهیل ریلی استفاده نکرده‌ایم. وی گفت: تا دو هفته دیگر اتصال ریلی ایران به روسیه در

روسیه در نقطه آستارا برقرار می‌شود و در همین زمان کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان در آستارا برگزار خواهد شد. از طرف دیگر، با

تکمیل خط‌های قزوین به رشت تا ۲ ماه دیگر تنها نقطه باقی‌مانده از اتصال ریلی بندرنباس به هلسینکی در شمال اروپا نقطه ۱۶۰کیلومتری رشت به آستارا خواهد بود که منابع

مالی لازم برای احداث آن تا دو هفته دیگر تأمین می‌شود و احداث آن به پیمانکاران ایرانی واگذار خواهد شد.

وی همچنین با گلایه از بالابودن قیمت اعلام‌شده برای کالاهای ایرانی از سوی تاجار کشورمان در بازار روسیه گفت:

تاجار ایران اصیر دارند خودشان به صورت مستقیم به بازار روسیه کار می‌کنند و این کار موجب افزایش تراز تجاری ایران شده است.

غلامحسین شافعی افزود: در لایحه بودجه ۹۷ بند "ز" ماده ۱۱۴ فقط از یک شرکت پشتیبانی و نوسازی

هلیکوپتر ایرانی (پن‌ها) نام برده شده در حالیکه از تجدید

یابی دستگاه‌های روسیه به تاجار ایرانی اعلام آمادگی کرده‌اند ولی ما همچنان اصرار داریم که خودمان مستقیم به روسیه کالا صادر کنیم.

کراییان علاوه بر این از خلف وعده اتاق بازرگانی

## آگهی مزایده فروش

سوات این پروژه که در منطقه آتاتولی ترکیه در بالادست دجله

فرع طراحی شده است و در سوره و عراق کاملاً مشاهده می شود و کشور ما هم در اثر اجرائی پروژه در سالهای

اخیر به بارگشت آب شور و ریزر برگردنه دچار مشکلاتی

می تولند می باشد در حل این مشکلات تئو داشته باشند، گفت: اندیشیدن راه‌حلی مطلق برای مقابله با آلودگی هوا

چارمناس نیست و باید با استفاده از توان و تخصص دانشگاه‌ها قبل از وقوع این مسائل چاره‌اندیشی شود.

وی با بیان این که بسیاری از مشکلات کنونی از حدود ۳۰ سال پیش قابل پی‌ی‌نبی بودی گفت: سیاست دنیا کاهش

قیمت خودرو و افزایش قیمت سبسخت است و ما در ایران برعکس این قضیه اجرا می‌شود.

وی برگزانی این همایش در دانشگاه تهران را نشانه‌ای از تعهد این دانشگاه نسبت به انجام مسئولیت اجتماعی‌اش دانست و گفت: امیدوار بودیم برای چاره‌اندیشی دربرابر

مشکلات کشور، دستگاه‌ها به سمت دانشگاه‌ها بیایند. اما اکنون می‌خواهیم با احساس مسئولیت بیشتر توانایی خود را در سطح جامعه‌وارد کنیم تا با هماهنگی با نهادهای تصمیم‌گیرنده

توانیم از بحران‌های زیست محیطی مانند بحران آب و آلودگی هوا رهایی دهیم.

**۲۶۱ میلیون دلار ضرر روزانه ناشی از ریزگردها**

همچنین دکتر علی مرادی، مدیرکل آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست، در این همایش به بیان مشکلات ناشی از ریزگردها اشاره کرد و گفت: ۲۶۱ میلیون دلار ضرر روزانه

ناشی از ریزگردها در هر یک میلیون تن مسافت تا مسامان است.

وی با بیان این که این معضل مشکلات متعددی را برای مردم به وجود می‌آورد، گفت: اغلب این هزینه‌ها و ضررها

برای مردم نامعلوم است و به همین دلیل کسی آنها را حس نمی‌کند.

مدیرکل آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست، پروژه (GAP) ترکیه را یکی از پروژه‌های خزان که می‌تواند امنیت ملی ما را به خطر بیندازد و گفت: تأثیرات

در این همایش همچنین دکتر محمود نلی احمدآبادی،







# میراث پزشکی ایرانی

محمد کریمی زنجانی اصل



**اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشی از تفسیرشده از مقدمه *بنده مؤلف بر کتاب الفصول الایله* است که در آخرین شماره فصلنامهٔ «اطلاعات سیاسی اقتصادی» به چاپ رسیده است.**

قدردان، و حتی گذری گذار بر آنچه اکنون به عنوان میراث پزشکی روزگار اسلامی شناخته می‌شود، برمی‌نماید که بخش مهمی از این میراث، دستاوردها تلاش‌ها و تجربیات علمی پزشکان ایرانی از دانش‌آموختگان جندی‌شاپور تا متفکران قری و خراسان در تخصص‌های سده‌های اسلامی است. در عین‌حال،

هرگاه با نگاهی متصفانه به این میراث بنگریم، درخواستیم یافت که این میراث، به فرجام، چنین، بررسی‌های پزشکی متداول در حوزه‌های فرهنگی/تمدنی چندنی برآمده است که مهمترین آنها، دست‌کم چنان‌که اکنون بر ما شناخته‌اند، عبارتند از: میراث ایرانی، میراث هندی، میراث یونانی و به فرجام، میراث چینی. بررسی‌های موجود دربارهٔ چگونگی تأثیر این میراث‌ها بر پزشکی متداول در روزگار اسلامی و دستاوردهای دانشی پزشکان این روزگار، معمولاً برآمده از یکی از این دو رویکردند.

نخست، رویکردی شرق‌شناسی<sup>۱</sup> که یونانمحوری را سرلوحهٔ کار خویش نهاده، و در نخستین قدم، برای نامیدن این میراث از اصطلاحاتی مانند «عربی» و «اسلامی او «جهان اسلام» بهره می‌گیرد؛ و آنگاه می‌گوید میراث پزشکی علم و تجربه محور دیگر حوزه‌های فرهنگی/تمدنی و به‌ویژه میراث پزشکی ایرانی را تا آنجا که می‌تواند، انکار و آن را همچون گونه‌ای از پزشکی مبتنی بر خرافات و طلسمات تصویر کند که ارزش علمی چندانی ندارد و بدین‌سان شایستهٔ درنگ و بررسی نیز نیست؛ این رویکرد، همچنین بر نادیده انگاشتن دستاوردهای پزشکی متفکرانی اصراط می‌کند که شمار زیادی از آنها در حوزهٔ فرهنگی/تمدنی ایران زیسته‌اند. افزون بر این، سهم آنها در دانش پزشکی را به پیروی صرف از میراث یونانی فرو می‌کاهد و در سخنانی بهت‌برانگیز، آثار آنها را از هرگونه دستاورد تجربه‌گرایانه‌ای تهی می‌داند!<sup>۲</sup>

این رویکرد، بی‌آنکه پشتوانهٔ نظری محکمی داشته باشد، در ادامهٔ سنتی که میراث مسیحیان ایرانی روزگار ساسانی را با عنوان مجعول «میراث کلیسای شرق‌زبان شرق» معرفی می‌کند و میراث ایرانی را به میراث برجای مانده در متنها اوستایی – پهلوی<sup>۳</sup> بازمانده از تازش تازیان منحصر و محدود می‌نماید،<sup>۴</sup> پزشکان دانش‌آموخته در مکتب جندی‌شاپور و دیگر شهرهای پرانکند در مناطقی از امپراتوری ساسانی را که تا بخشهایی از ترکیه و سوریه امروزی گسترده بوده‌اند، به صرف سیرانی بودن زبان آثار و گرایش‌های دینی مسیحی یا صاهنی‌شان، «سیرانی» خوانده و بدین‌سان نه تنها «ایرانی» بودن آنها را به سکوت برقرار می‌کند، بلکه سیرانی بودنشان را در مقابل آن می‌نهد!<sup>۵</sup> این درحالی است که ما مرعابه به تنهای سیرانی برچای مانده از روزگار ساسانی، نشان می‌دهد که دست‌کم عده چشمگیری از متفکران سیرانی‌زبانی که به جغرافیای ایران آن هنگام می‌زیستند، خود را آشکارا «پارسی» و «ایرانی» می‌خواندند. افراهای با فرهاد (۲۸۰–۳۴۵) از برجسته‌ترین پدران و متفکران کلیسای سیرانی‌زبان ساسانی که در میان هم‌روزگاران‌ش به ادانی «پارسی» (Hakkimā Parsāy) نامبرداربود،<sup>۶</sup> تنها یکی از آنهاست که هنوز در زبان فارسی دربارهٔ او نوشته و پژوهش درخوری منتشر شده است. آن هم درحالی‌که اکنون ۳۳ عنوان از آثار او را در اختیار داریم و نیز پژوهش‌هایی را که پیشینهٔ آنها به بیش از ۱۵۰ سال پیش باز می‌گردد و تا هم امروز نیز ادامه دارند. درواقع اینکه بنديکت شانزدهم در سخنرانی مسبوطن در تحلیل از افراعات به سال ۲۰۰۷، به خاستگاه ایرانی این حکیم متاله کوچکترین اشاره‌ای نکرده و چنین می‌نماید که مسائل پشت پرده‌ای را وجه‌المصاحفهٔ سکوت خود دربارهٔ ایرانی بودن افراعات می‌کند تا او را صرفاً متعلق به کلیسای سیرانی‌زبان شرقی بداند و آن حوزهٔ عراق کنونی، به هیچ روی پوشانندهٔ این واقعیت تاریخی نیست که آن مناطق که در سنت‌ها جغرافیایی روزگار اسلامی به «شامات» نامبردار شده و در سنت شرق‌شناسی، «شرق یونانی اهل» یا «حوزهٔ کلیسای شرقی» خوانده می‌شوند، برای روزگاری طولانی جزو قلمرو ساسانی محسوب می‌شدند و این وابستگی و دلبستگی در خاطرهٔ جمعی ایرانیان – فارغ از گرایش‌های مذهبی‌شان – جان جانی گرفته بود که حتی در سدهٔ سدهٔ هجری<sup>۷</sup> نه‌هم می‌شد – نیز، در این منطقه در تاپوت یک مسیحی ایرانی به نام (خردادپور هرمزدارفride) نگاهشند که او از «ایرانشر» بوده است.

اما رویکرد دوم که آن را واکنشی «بوم‌گرایانه» به رویکرد نخست از سوی شماری از متحققان مسلمان (اعم از ایرانی، عرب، هندی و…) می‌توان خواند، بیش از آنکه بررسی خاستگاه و پیشینهٔ پزشکی متداول در روزگار اسلامی را مسئله قرار بداند، در پی برجسته کردن دستاوردهای پزشک‌ان این روزگار است. پدران‌نگدان این رویکرد را به دو گروه کلی می‌توان تقسیم کرد: نخست گروهی که در پی برنمودن پیشگامی «پزشکان مسلمان» در دستنهایی به تنهایی هستند که در روزگار مدرن به نام پزشکان اروپایی ثبت شده است<sup>۸</sup>، و دیگر، گروهی که با برنهادن دستاوردهای پزشکان مسلمان در مقابل پزشکی مدرن اروپایی، می‌گویند که به طبل بازگشت یکسر به میراث یونانی و تا آنجا پیش روند که حتی با نگاهی نوظهورانگانه و بعضاً بیمارگونه به میراث پزشکی مدرن بیندند و آن را یکسره تحقظه کنند و بیشتر در پی هم‌رازی با دانش پزشکی جدید باشند. و طرفهٔ آنکه شماری از این گروه، با دانش ناقص خود از میراث پزشکی روزگار اسلامی، بعضاً نسخه‌هایی می‌پیچند و این می‌دهند که بیشتر موجب وهن میراث ارجمند پزشکان روزگار اسلامی است تا بزرگداشت آنها<sup>۹</sup>.

این درحالی است که اگر با نگاهی متصفانه به میراث پزشکی روزگار اسلامی مراجعه کنیم، و به‌ویژه اگر با آثار برچای مانده از پزشکان ایرانی از خاندان یخشیوع تا علی‌بن ربن طبری و محمد بن زکریای رازی، علی عباس مجوسی، افروزی، ابوبکر اخوینی بخاری، ابن سینا و ابوالصورس موفق هروی و همگان سببیم آنها<sup>۱۰</sup> بنگریم، با آغوش باز و نگاه کنجگوار و دقیق مواجه خواهیم شد که میراث علمی پیشینیان را ارج می‌نهد و از سنجشگری آنها به محک تجربه و استدلال نیز باز نمی‌انستد. بی‌گمان، فراثر از دستاوردهای ارجمند و ارزشمند این پزشکان، همگشت‌دهویی در برخورد با جهان‌های دانشی گوناگون و تهرانیان از آموذمن از آن خود پنداشتند؛ همان‌ها به ترازوی («دشاههای دیگران» هم‌پیمان این است که آنها از وزای شده‌ایمان روی ما می‌نهند. البته که ما این پیام به پاسخی توانمند داد، بیش از آنکه برحاسته از پسندهای آئی و احساسی ما بیاید بود، نیازمند برخوردی است‌اندیشمندانه و همراه با درنگ و به دور از دوری‌های شتابزده و بسا که شبه‌علمی…

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. «شرق‌شناسی» در معنی ادوارد سیدی آن؛ که اصولاً بر انکار قوهٔ نقد و درنگ مقلاتی و حتی آفرینندگی «بدوان نامتمدن شرقی» در برابر «مردمان تمدن غرب» اصرار و تأکید می‌کند؛ و به‌رغم آنکه پس از انتشار کتاب شرق‌شناسی ادوارد سیدی، خود سوسایلی‌اش چنان به صدا درآمد که اکنون کشورشناسی خود را شرق‌شناسی می‌خواند، اما به‌مسرتع با بازسازی و بازبینی خویش در مورد، و به‌ویژه در بازده سال اخیر، رست و شمایلی متفاوت به خود گرفته و این بار به جای انکار، بیشتر بر تحریف و بازنمایی دیگرگون میراث «شرق» در برابر «غرب» متکرر یافته و شاکله‌ای روش‌شناختی و گفتاوی نو برای خود تعریف کرده است که نوبرشناسی<sup>۱۱</sup>، پسااستعماری<sup>۱۲</sup>، و تمثالی خوانند.

۲. شاخص‌ترین نمایندهٔ چنین رویکردی، مافرد اولمان (Ullmann) است که در پردازش نگاه رهاکاهندهٔ خود تا آنجا پیش می‌رود که به بخش فزاینده‌ای خود، با برجسته کردن فراغی از سخنان ابن‌ربن طبری و ابن زکریای رازی، دستاوردهای پزشکی آنان را به تجویز دره‌مان‌های جانانه برکاهد و از انتقال اندیشه‌های جادویی ایرانی به پزشکی اسلامی به واسطهٔ ابن‌ربن طبری سخن بگوید؛ به عنوان یک نمونه، ادعای او دربارهٔ دور بودن میراث پزشکی ایرانی از تجربه‌گرایی را –بسنجیدگی با این سخن خوش‌نهادی بخاری– از نمایندگان شاخص مکتب پزشکی رازی – در نیمهٔ دوم سدهٔ چهارم هجری–، به هرح در اینجا یاد می‌کنم، آن است که آموذمن من است و اما آنچه ما به وی تجریت نیست، یاد نکیم و من شاکرد ابوالقاسم مقانع!م [که] شاکرد محمد بن زکریا بود و اساتذ من به رای وی رفتی اندر عالجت و من هم به رای ایشان می‌روم و یک می‌آید…

۳. و دیگر زندهای ایرانی مانند سُعدی و بلخی و خوارزمی. ۴. «میرزا ماجرا آن است که این رویکرد در میان دانش‌زبان و مردان ایرانی نیز هوادارن فراوانی دارد. این هوادارن از سوی به سیرانی‌دانی آنها باز می‌گردد («شناسی» که میراث سیرانی را از ایران جدا می‌کنند… ۵. به عنوان دو نمونهٔ شاخص از افرادی که با چنین رویکردی به نگارش درآمده‌اند، از مقالهٔ به‌رهورف (Meyerhoff) در زمینهٔ شقیق در زیرهٔ میراث یاد کرد که به‌رغم افغان به وجود شماری اصطلاحات پارسی میانهٔ هندی («موسرگ» و «الشفر» و «زاد وادارسی» سیرانی بر گرفته از پارسی میانهٔ مانند «استروا» (بر گرفته از «ساروا» پارسی میانه)، فردوس‌الحکمهٔ ابن پزشک ایرانی فی‌رستسانی را یکسر به‌یونانی و تحت تأثیر ترجمه‌های سیرانی می‌نهد تا او را مستور شواهد سزگین (Sezgin) قرار گیرد و او را در کنار آموذمن ایران بر «پزشکی غربی» («کلاما جنم» بداند).

۶. آلبیر یونان نیز در کتاب ادب‌البلغه الارامیهٔ خود، از او به تصریح به عنوان «یعقوب افراط‌الح حکیم الفارسی» یاد کرده است.

۷. برای مثال، دوستی نقل می‌کرد که یکی از به اصطلاح پزشکان متعلق به ابن گروه، به واسطهٔ دانش‌های سیرانی، به‌ویژه، شیر نوشیدن کردگان در پستان بز شفا یافته از این دسته بیماری‌ها را پیشنهاد می‌کرد!

اشاره: مرحوم آیت‌الله سیدعلی غیوری (۱۳۰۹–۱۳۸۲) که سال‌ها امام‌جمعهٔ شهری و نماینده ولی فقیه در هلال احمر بود، تا پایان دوره ابتدایی را در زادگاهش –نصف‌آباد اصفهان– تحصیل کرد و در سال ۱۳۲۵ رهسپار اصفهان شد و در مدرسه علمیه نيمارد شروع به تحصیل علوم دینی کرد و پس از دو سال، به رف رفت. وی در محضر حضرات آیات: امینی، مشکینی، سلطانی طباطبائی، صالحی نجف‌آبادی، شاهرودی، مرضی حائری، گلپایگانی، مرعشی نجفی و امام خمینی<sup>۱</sup> علم آموخت.

به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در ۱۳۵۰ بازداشت شد و به مدت یک سال در زندان بود. بار دیگر در سال ۱۳۵۳ بازداشت شد و به مدت سه سال به سیرجان تبعید شد. از مهمترین فعالیت‌های وی پیش از پیروزی انقلاب عبارتند از: تأسیس مسجد امام‌حسن عسکری<sup>۲</sup> در شهری، تأسیس دبستان‌های «سجاده» و «رضویه» برای دختران و پسران، تأسیس مرکز نگهداری از ایام، تأسیس صندوق قرض‌الحسنه<sup>۳</sup> و پس‌از پیروزی انقلاب دایرهٔ فعالیت او گسترده شد که در ادامه به این می‌پردازیم. مزار این مبارز دیرین و پدر شهید در آنستأن حضرت عبدالعظیم<sup>۴</sup> قرار دارد. به مناسبت سالگرد درگذشتش از بزرگواری، گزیده‌ای از کتاب خاطرات ایشان که به همت آقای محمدرضا سرانیدی تدوین شده به همراه مطالب دیگر، تقدیم می‌شود.

تحولات دهه ۳۰ و ناگامی نیروهای ملی برای کنترل قدرت شاه، روحانیان جوان حوزه علمیه کم را نسبت به مسائل سیاسی، خدمات حساس‌تر کرد. با قوت ایثار و پرورجی در سال ۱۳۲۰ رژیم پهلوی درصدبرآمد تسا حوزه علمیه کم را که آخرین پایگاه آزادی‌خواهی و اسلام‌طلبی به شمار می‌رفت، تحت سیطره خویش درآورد. رژیم این اقدام را با طرح «لایحه‌های ایالتی و ولایتی» آغاز کرد؛ اما به‌ویژه نیروهای جوان و فعال حوزه، با زعامت امام‌خمینی<sup>۵</sup> را در برابر خود یافت. حوادث پس از آن (قیام ۱۵خرداد ۱۳۴۲ تا ماجرای «لایحه کاپیتولاسیون» و تبعید امام و تبعید امام<sup>۶</sup> ۱۳۴۳) به‌خوبی نشان‌داد که این بار نیروهای مذهبی به‌ویژه روحانیون، دارای کنترل اعمال دولت و قدرت شاه با آکا به مقابله فرهنگی شیعه، را ن نخواهند نشست.

آیت‌الله غیوری از روحانیانی بود که نقش به‌سزایی در همراهی با نهضت حضرت امام و تحمل زندان و سال‌ها تبعید داشت. ایشان در سال ۱۳۰۹ در خانواده‌ای متدین متولد شد. پدرش کاسب و به زهد و تقوا مشهور بود. سیدعلی پس از طی تحصیلات ابتدایی، به طلبگی علاقه‌مند شد و فراگیری دروس خوری را از سال ۱۳۲۵، در اصفهان آغاز کرد. تا سال ۱۳۲۷ در نهایت فقر و تنگدستی در این شهر به تحصیل ادامه داد و پس از آن به مدرسه حاج ملاطالع در قم عزیمت کرد. آغاز آشنایی ایشان با مسائل سیاسی به واسطه آشنایی با حضرت امام‌خمینی<sup>۷</sup> بود. ایشان در همان زمان به تدریس در مدرسهٔ جامع تعلیمات اسلامی و تبلیغ در روستاهای اطراف قم پرداخت.

آیت‌الله غیوری در سال ۱۳۳۱ به دعوت عده‌ای از اهالی شهرری و تأیید حضرت امام به آنجا رفت و با کمک خیزین، مسجد، مدرسه و صندوق قرض‌الحسنه‌ای را برای مردم تأسیس کرد که عملکرد بسیار موفق‌ی داشت. او در اداره این مؤسسات علمی می‌کرد از افراد مبارز و هوادار امام استفاده کند؛ از جمله در دعوت از سخنرانان برای مسجد امام‌حسن عسکری<sup>۸</sup>. دو نام حضرت امام را شرط می‌کرد که به همین علت چند بار به کلاتریت محل احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت. همچنین در جلسات با حضور دیگر روحانیان مبارز نیز شرکت می‌کرد که بعدها باور و اساس «جامعه روحانیت» را تشکیل داد. در این جلسات، چگونگی کمک به زندانیان سیاسی و خانواده آنها بررسی شده، اقداماتی در این زمینه انجام گرفت.

آیت‌الله غیوری به هنگام تدارک رژیم برای برگزاری جشنشهای تاج‌گذاری در سالهای ۲۹ – ۵۰، مسجد امام‌غیوری<sup>۹</sup> تاسیس کرد و به‌شهری در به یکی از کانون‌های فعال مبارزه با توزیع اعلامیه تبدیل کرد. ایشان ساواک با ردیابی اعلامیه‌ها، ایشان را دستگیر کرد. ایشان پس از تحمل چند ماه شکنجه و زندان آزاد شسود و آزادی او از زندان با توجه به محبوبیتی که در بین مردم شهرری داشت، با استیقال شایانی همراه بود. به علت فعال‌های سیاسی، سبسی، مجامع دستگیر و به جرم شرکت در جلسات جامعه روحانیت به سیرجان تبعید شسود و در آنجا با تشکیل جلسات مذهبی، سخنرانی، تربیت متدین و نوشتن تقریر، آن فعالیت‌های فرهنگی – سیاسی خود را ادامه داد.

آیت‌الله غیوری، پس از بازگشت از تبعید، ضمن ادامه مبارزات، همپای انقلابیون در پیروزی کت، عضویت کمیته استقبال از حضرت امام درآمد. پس از پیروزی انقلاب، اولین سمت ایشان مسئولیت تشکیل کمیته انقلاب مشوریه بود. سپس از جانب امام به عنوان نماینده ولی‌فقیه در کشورهای آفریقایی منصوب شد که در این دوره مخدمات شایان توجهی (مانند) تأسیس بیمارستان، مدرسه و مراکز گسترش اسلام در آفریقا) انجام داد. پس از مدتی از سوی حضرت امام به نمایندگی ولی‌فقیه در هلال‌احمر منصوب شد و در تأسیس سازمان اقتصادی و جمعیت تعاون اسلام و نقش به‌سزایی داشت.

آیت‌الله غیوری پس از رحلت امام‌خمینی<sup>۱۰</sup>، عهدهدار شهریه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد و علاوه بر آن، ازطرف مقام معظم رهبری، مسئولیت رسیدگی به امور مالی دانشگاه آزاد اسلامی، مسئولیت جامعه روحانیت شهرری، دبیت ناور، بنیاد هدایت، مؤسسه خیریه باقیات‌الصالحات و تعدادی دیگر از بنیادها را نیز بر عهده گرفت.

**ایجاد اجتماعی شخصیت آیت‌الله غیوری**
از جمله ابعاد اجتماعی او بزرگوار، کمک‌رسانی به

قتشراهی مختلف در داخل و خارج از کشور می‌باشد؛ از آن جمله است:

– ساخت مدارس برای محرومان و ایام و تأمین هزینه‌های آموزشی و تحصیلی آنان

– ساخت مساجد و پیشبرد اهداف مساجد

– ساخت مدارس عالی و حوزه‌های علمیه در نقاط محروم سراسر ایران

**مهرنگاری**

**اسلام در مقابل انحطاط و غریب‌زدگی ماصر**

**دکتر منیر شقیق**

**ترجمه: سیدغلامحسین موسوی**

**نشر مصموین**

**چاپ چهارم**

**۳۳۰۰ – ۱۳۳۰**

کتاب حاضر ترجمه کتاب «الاسلام وتحديات الانحطاط المعاصر» نوشته متفکر بزرگ فلسطینی، دکتر منیر شقیق است. نوشته‌های شقیق در زمینه مبارزات گروان‌تلق انقلاب فلسطین – و مسائل جهان عرب و اسلام همواره از اهمیت بسیار برخوردار بوده است، و این نوشته با اهمیت و غنا و اصالت خاصی دارد؛ زیرا پشتوانه عظیمی از تجارب سیاسی، انقلابی و عظیمی را در صحنه‌های انقلاب فلسطینی، عربی و اسلامی به همراه دارد و در واقع یک تحلیل عمیق ایدئولوژیکی از رخداده‌ها در منطقه فکری، فرهنگی و سیاسی، در منطقه

– رسیدگی به امور عشایر و ساخت مدارس

برای آنها

– تأسیس کارگاه‌های فرش‌بافی و ایجاد اشتغال

برای بنوان

– اهتمام به امدادرسانی به محرومان در جهت تهیه

مسکن و تجهیزات.

از جمله فعالیت‌های کمک‌رسانی ایشان در خارج کشور نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

– تأسیس درمانگاه، بیمارستان و مجتمع‌های آموزشی/ فرهنگی در غنا، یمن، تانزانیا، امارات و…

– فرستادن مبلغان توانمند به برخی از کشورها جهت پوشش‌دادن مدارس اسلامی

– کمک‌های مالی و غذایی به مناطق جنگ‌زده لبنان

و بوسی و گرویزین.

همچنین خدمات بارز ایشان در زمان دفاع مقدس به شکل ویژه‌ای انجام می‌شد، از جمله:

– کمک‌رسانی به مردم خرمشهر

– فرستادن مسلمان‌های تدارکاتی به جبهه‌ها

– بازدید از بیمارستان‌های زندمگان

## نظرها و اندیشه‌ها

نشود. ایشان اعلامیه را برای چاپ نزد من آوردند، چون این‌گونه موارد را بنده انجام می‌دادم. یک بار ساواک اعلامیه‌های حضرت امام درباره جشن تاج‌گذاری را از بعضی دوستان گرفت بود و آنها در زیر فشار شکنجه بسیار سخت می‌گرفتند… اما مدتی به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند که کسی از خارج زندان به ملاقات بیاید یا اطلاع‌ای پیدا کند و چیزی بیآورد. بازجویی‌ها هم گاهی اوقات دسته‌جمعی بود.
یک روز صبح مرا برای بازجویی بردند و متدینم را از پشت به قادی محکم بستند که سیاه شدنم و سیاه خیل می‌گردد دیگر باید قطع شوندا در آن روز بسیار توهین و اعات کردند، اما با وجود شدت استقامت، توهین و اعات کردم که حتی یک لحظه هم دست از خدا را شکر می‌کنم که ختنی یک لحظه هم استند از حمایت امام نکشیدم. آنها به هیچ چیز اهمیت نمی‌دادند از صبح تا عصر همین‌طور بازجویی بود، نه ناهار و نه چیز دیگری، فقط بازجویی. نزدیک غروب اصرار کردند که نماز ظهر و عصر را نخواند! اما اجازه ندهند نماز بخوانم. از غدانی – بازجوی ساواک – در همان کمره با پایش جلای محکم به استخوان پایم زد که بهوش افتادم. بعد از مدتی من را به هوش آوردند و حدود غروب اجازه دادند نماز بخوانم، ولی گفتند: «با عجله نمازت را بخوان».

یک روز من و آقای هاشمی رفسنجانی را برای بازجویی بردند. از زندانی رو به آقای هاشمی کردو گفت: «شما از جان ما چه می‌خواهید؟ آقای هاشمی هم گفتند: «فقط شما امام را از نجف به ایران بیاورید، ما دیگر کاری با کارتان نداریم.» من نیز در ادامه صحبت ایشان گفتم: «آیت‌الله خمینی مرجع تقلید هستند و مردم به ایشان نیاز دارند، باید از نجف برگردند. ما همه خواست‌مان این است که ایشان از نجف برگردند». ساواکی‌ها از صحبت ما اصلا خوششان نیامد و خیلی عصبانی و ناراحت شدند، به خصوص خدایتی که آقای هاشمی به آنها گفت، به مذاقتشان خوش نیامد.

من متهم بودم که اعلامیه‌های تاج‌گذاری را توزیع کرده‌ام و این کار هم اقرار کردم. تعداد اعلامیه‌های خیلی بود، من شاید تنها یک نفر، که با سه‌هزار اعلامیه داده بودم. ساواک اصرار داشت بداند که این اعلامیه‌ها را چه کسی به من داده است و این‌رو این مسئله بسیار تکیه می‌کرد. من هم می‌گفتم: «نمی‌دانم چه کسی بیدار یک روز که منزل نبودم، آوردند و در منزل گذاشتند، همه‌چیز ساواکی‌ها فشار آوردند، همین‌جمله را تکرار کردم. به بعضی از آدرس‌ها که اعلامیه داده بودم، اقرار کردم، چون قرارها سوخته بودند و این آدرس‌ها به حال ساواک نمی‌آمد و برای آنها هیچ فایده‌ای بود و درواقع حالت رد گرد نمی‌داشت، حتی یک روز سراغ خانواده هم رفته بودند و از آنها بازجویی کردند، آنها هم گفتند: «شخصی این اعلامیه‌ها را به منزل آورده و آقای غیوری هم در منزل نبوده و به طور کلی خیلی چیزهای می‌آورده که دم در خانه می‌دهند و می‌روند و ما هم نمی‌فهمیم چه کسی آورده است». خوشبختانه صحبت‌های خانواده با گفتگوی من هماهنگی داشت به همین دلیل دیگر فشار چندانی بر من وارد نکردند.

همه اطلاعات را در مورد اعلامیه تاج‌گذاری، که

مرحوم ربانی چاپ کرده و به من داده می‌باشند،

ولی نمی‌گفتم. خوشبختانه آن زمان نمی‌دانستم که چه کسی این اعلامیه‌ها را به منزل ما آورده بود. بعدها معلوم شد که این‌ها از آقای عدهی به منزل ما آورده است و خودش هم از کشور خارج شده بود.

بعضی از اوقات که مرا برای بازجویی می‌بردند، بعضی دیگر از زندانی‌ها که شکنجه شده‌بودند و مأموران آنها را بیرون می‌آوردند می‌دیدم. افرادی مثل آقای کروی، صاحب‌الزمانی و رستمی را بسیار شکنجه داده بودند. من وقتی در اتاق کناری بازجویی می‌شدم، فریادهایشان را می‌شنیدم. به یاد دارم که یک روز در زندان، کمر و پهلویم بر اثر شکنجه و آزارهای ساواک مبدلت درد گرفت، به‌طوری‌که بسیاری بی‌تاب شدم و در همان حال به ساواکی‌ها بسیار اعتراض می‌کردم. آنها ابتدا دکتر آوردند و بعد ناچار شدند برای مداوا مرا به بیرون از زندان ببرند. چند ساعت در بیمارستان بستری بودم و آزمایشات انجام دادند، اما فایده‌ای نکرد و کمردرد از آن زمان تا جندسال بعد ادامه داشت.

در زندان برایم شام و ناهار آوردند، گفتم: «نمی‌خورم»، چون شک داشتم که اموال دولت را مصرف کنم، لذا تصمیم گرفتم چیزی نخورم. آنها هم گفتند: «از گرسنگی می‌میری؟» جواب من هم این بود: «حتی اگر از گرسنگی بیزیم، جز آب چیز دیگری نمی‌خورم». بالاخره از این اصرار و این تنگدستی و مسئولین زندان روزها گفتند: «مختصر نان و پنیری می‌توانیم از بیرون برایت بیاوریم.» قبول کردم و پولش را هم خودم پرداختم. با همین نان و پنیر، روزه می‌گرفتم. مسئولین زندان روزها بسیار اذیت و شکنجه می‌کردند و این اواخر که متوجه شسندم من به علت ضعف و کم‌خورد کم‌کم دارم از پا درمی‌آیم، غذای بخنمی هم اگر بخنم، می‌گویم از بیرون برایت بیاورند؟ بنابراین گاهی هم غذای بخنم از خارج زندان می‌گرفتند.

یک‌هت سخت یک نصفه صفحه روزنامه‌ای که در آن برایم پتیر آورده بودند، از بس خوانده بودم، حفظ شده بودم. در سلول هیچ چیزی نبود و جای بسیار بدی بود. من متعفن با پوتاهی کثیف چرک و بسیار ناچور. بعضی از زندانی‌ها را روزها در همین سلول‌ها نگه می‌داشتند و به هیچ وجه بیرون نمی‌دادند. در سلولی که من بودم، هیچ معلوم نبود که روز است یا شب و هیچ روشنایی وجود نداشت. در این سلول‌ها تنها دو نفر می‌نمیشنند، بخوانند، خیلی تاریک و کوچک بود و از تنگدستی، اقامت جیدم در شهری، مسئولین نمایندگی مردم تهران در مجلس چهارم شورای اسلامی، اداره مؤسسه خیریه باقیات‌الصالحات با ۱۳ دفتر در استان‌های مختلف، ارااندازی مؤسسه چاپ و نشر آثار کریم، کتب احادیث، زندگینامه اهل بیت<sup>۱</sup> و دیگر کتب اسلامی.

اکنون بخشهایی از کتاب خاطرات و بیانات مردمی از آنجمله است:

– تأمین نیازهای دارویی جبهه‌ها
**ایجاد علمی**
بعضی از فعالیت علمی ایشان نمی‌شد و در این بُعد می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد:
۱- تألیف آفرینش قرآن کریم (میرب) در ۹ مجلد.
۲- دوره ۶ جلدی فرهنگ اهل بیت<sup>۲</sup> تحت عناوین: ارزش‌های پایدار، پیوند با ملوکوت، مسئولیت‌های اجتماعی مسلمانان، اصول زندگی و جلوه‌ای از تعالیم اسلام.

۳- کتاب زندگی سالم (مجموعه احادیث)
۴- کتاب ادعیه روشایی
۵- منتخب ادعیه روشایی ویژه ماه مبارک
۶- منتخب قرآن کریم و ادعیه
۷- کتاب ذخیره معاد

از دیگر اقدامات فرهنگی مرحوم آیت‌الله غیوری، بنیان‌گذاری این موارد، شایان توجه است: در کشور تانزانیا مرکز آکادمی مجتمع فرهنگی آموزش اهل بیت<sup>۳</sup> از مهندکود تا پیش دانشگاهی؛ شهر کیگوما؛ حوزه علمیه دارالهدی؛ منطقه مانیگا؛ حوزه علمیه دارالهدی (شیان‌روزی)؛ مدارس ابتدایی و متوسطه‌های ایران – ایسن فعالیت‌ها در کنار نهضیات متعددی صورت می‌گرفت که ایشان در داخل کشور عهده‌دارش بود؛ همچون: متوقف کردن فعالیت‌های فرقه ضاله بهائیت در برخی مناطق، نمایندگی امام<sup>۴</sup> و مقام معظم رهبری در جمعیت هسالا احمر، نمایندگی این دو بزرگوار در شهری، امامت جیدم در شهری، نمایندگی مردم تهران در مجلس چهارم شورای اسلامی، اداره مؤسسه خیریه باقیات‌الصالحات با ۱۳ دفتر در استان‌های مختلف، ارااندازی مؤسسه چاپ و نشر آثار کریم، کتب احادیث، زندگینامه اهل بیت<sup>۵</sup> و دیگر کتب اسلامی.

اکنون بخشهایی از کتاب خاطرات و بیانات مردمی از آنجمله است:
– ساخت مدارس برای محرومان و ایام و تأمین هزینه‌های آموزشی و تحصیلی آنان
– ساخت مساجد و پیشبرد اهداف مساجد
– ساخت مدارس عالی و حوزه‌های علمیه در نقاط محروم سراسر ایران
آیت‌الله غیوری، پس از بازگشت از تبعید، ضمن ادامه مبارزات، همپای انقلابیون در پیروزی کت، عضویت کمیته استقبال از حضرت امام درآمد. پس از پیروزی انقلاب، اولین سمت ایشان مسئولیت تشکیل کمیته انقلاب مشوریه بود. سپس از جانب امام به عنوان نماینده ولی‌فقیه در کشورهای آفریقایی منصوب شد که در این دوره مخدمات شایان توجهی (مانند) تأسیس بیمارستان، مدرسه و مراکز گسترش اسلام در آفریقا) انجام داد. پس از مدتی از سوی حضرت امام به نمایندگی ولی‌فقیه در هلال‌احمر منصوب شد و در تأسیس سازمان اقتصادی و جمعیت تعاون اسلام و نقش به‌سزایی داشت.

**ایجاد اجتماعی شخصیت آیت‌الله غیوری**

از جمله ابعاد اجتماعی او بزرگوار، کمک‌رسانی به

قتشراهی مختلف در داخل و خارج از کشور می‌باشد؛ از آن جمله است:

– ساخت مدارس برای محرومان و ایام و تأمین

هزینه‌های آموزشی و تحصیلی آنان

– ساخت مساجد و پیشبرد اهداف مساجد

– ساخت مدارس عالی و حوزه‌های علمیه در نقاط

محروم سراسر ایران

**مهرنگاری**

**اسلام در طول سال‌ها مبارزه و**

**کار مستمر علمی، فکری و سیاسی و**

**فرهنگی، به عنوان یکی از**

**انقلاب فلسطین توفیق یافت تا مکتب‌ها**

**و ایدئولوژی‌های گوناگون شرقی و غربی**

**را در خصوص انقلاب فلسطین و دیگر**

**نهضت‌های جهان اسلام و عرب، به**

**شکل اصولی، عمیق و همه جانه مورد**

**ارزیابی و آزمایش قرار دهد و همه**

**طرح‌ها، رهنمودها و شیوه‌های مبارزاتی**

**مطرح شده از سوی این مکتب‌ها و**

**ایدئولوژی‌ها را در زمینه چگونه به ثمر**

**رساندن انقلاب و پیروزی آن و تأسیس**

**و اداره جامعه کمال مطلوب انسانی،**

**بسیار برخوردار بوده است، و این نوشته**

**با اهمیت و غنا و اصالت خاصی دارد؛**

**زیرا پشتوانه عظیمی از تجارب سیاسی،**

**انقلابی و عظیمی را در صحنه‌های**

**انقلاب فلسطینی، عربی و اسلامی به**

**همراه دارد و در واقع یک تحلیل عمیق**

**ایدئولوژیکی از رخداده‌ها در منطقه**

**فکری، فرهنگی و سیاسی، در منطقه**

**فکری، فرهنگی و سیاسی، در منطقه**

## آینده‌دار مهر

**یادبود آیت‌الله سیدعلی غیوری**



می‌پردیسم، آن وقت مسا را برای بازجویی می‌بردند. همچنین سعی می‌کردند که در مواقع حساس و نیاز، ما را اذیت کنند. اگر می‌خواستیم به حمام برویم، چند روز طول می‌کشید تا اجازه دهند و در این موارد بسیار سخت می‌گرفتند… اما مدتی به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند که کسی از خارج زندان به ملاقات بیاید یا اطلاع‌ای پیدا کند و چیزی بیآورد. بازجویی‌ها هم گاهی اوقات دسته‌جمعی بود.

یک روز صبح مرا برای بازجویی بردند و متدینم را از پشت به قادی محکم بستند که سیاه شدنم و سیاه خیل می‌گردد دیگر باید قطع شوندا در آن روز بسیار توهین و اعات کردند، اما با وجود شدت استقامت، توهین و اعات کردم که حتی یک لحظه هم دست از خدا را شکر می‌کنم که ختنی یک لحظه هم استند





وزارت راه و شهرسازی

شرکت عمران شهر جدید اندیشه

## آگهی فراخوان عمومی

## فروش قطعات زمین با کاربریهای مختلف، واحدهای تجاری و واحدهای بازار بزرگ ایرانی اسلامی

## از مورخ ۲۹/۰۹/۹۶ لغایت ۱۲/۱۰/۹۶ در شهر جدید اندیشه

واحدهای بازار بزرگ ایرانی اسلامی واقع در محله ۶ فاز ۴			
ردیف	شماره واحد	مساحت (مترمربع)	پارکینگ
طبقه	طبقه	طبقه	طبقه
۳۰٪ نقد مابقی در اقساط ۴۸ ماهه	شرایط واگذاری	نقد	نقد
۱۰۴	۳۴۴	۲۴/۶۶	دارد
۱۰۵	۳۴۵	۳۴/۷۱	دارد
۱۰۶	۳۴۶	۴۸/۲۸	دارد
۱۰۷	۳۴۷	۳۴/۷۱	دارد
۱۰۸	۳۴۸	۳۴/۴۱	دارد
۱۰۹	۳۴۹	۳۴/۱۸	دارد
۱۱۰	۳۵۰	۳۴/۶۵	دارد
۱۱۱	۳۵۱	۳۴/۶۲	دارد
۱۱۲	۳۵۲	۳۴/۷۵	دارد
۱۱۳	۳۵۳	۳۴/۵۱	دارد
۱۱۴	۳۵۴	۴۷/۱۱	دارد
۱۱۵	۳۵۵	۲۵/۹۸	دارد
۱۱۶	۳۵۶	۴۱/۷۴	دارد
۱۱۷	۳۸۲	۳۴/۳۲	دارد
۱۱۸	۳۸۳	۳۴/۱۵	دارد
۱۱۹	۳۸۴	۳۴/۴۵	دارد
۱۲۰	۳۸۵	۳۴/۶۱	دارد
۱۲۱	۳۸۶	۳۶/۵۱	دارد
۱۲۲	۳۸۷	۱۸/۴۱	دارد
۱۲۳	۳۸۸	۳۲/۴۸	دارد
۱۲۴	۳۸۹	۱۸/۴۷	دارد
۱۲۵	۳۹۰	۴۴/۴۲	دارد
۱۲۶	۳۹۱	۳۴/۵۷	دارد
۱۲۷	۳۹۲	۳۴/۷۳	دارد
۱۲۸	۳۹۳	۲۴/۳۱	دارد
۱۲۹	۳۹۴	۲۴/۷۹	دارد
۱۳۰	۳۹۵	۲۹/۱۰	دارد
۱۳۱	۳۹۶	۲۴/۰۶	دارد
۱۳۲	۳۹۷	۷۱/۵۹	دارد
۱۳۳	واحد بزرگ ضلع جنوب شرقی	۳۵۱/۱۲	۲

واحدهای بازار بزرگ ایرانی اسلامی واقع در محله ۶ فاز ۴			
ردیف	شماره واحد	مساحت (مترمربع)	پارکینگ
طبقه	طبقه	طبقه	طبقه
۳۰٪ نقد مابقی در اقساط ۴۸ ماهه	شرایط واگذاری	نقد	نقد
۱	۱۳۵	۲۸/۴۰	دارد
۲	۱۳۶	۲۴/۰۹	دارد
۳	۱۴۸	۲۱/۵۱	دارد
۴	۲۹۱	۱۶/۴۷	دارد
۵	۳۰۲	۲۸/۸۸	دارد
۶	۳۰۵	۲۳/۵۱	دارد
۷	۳۰۶	۲۴/۹۵	دارد
۸	۳۰۷	۲۵/۳۴	دارد
۹	۳۰۸	۲۶/۹۹	دارد
۱۰	۳۱۱	۲۵/۴۲	دارد
۱۱	۳۱۲	۲۵/۶۵	دارد
۱۲	۳۱۳	۲۵/۴۸	دارد
۱۳	۳۱۴	۲۵/۴۸	دارد
۱۴	۳۱۵	۲۵/۶۸	دارد
۱۵	۳۱۶	۳۱/۲۸	دارد
۱۶	۳۱۸	۲۵/۱۶	دارد
۱۷	۳۱۹	۲۴/۲۸	دارد
۱۸	۳۲۰	۲۴/۴۸	دارد
۱۹	۳۲۱	۳۳/۷۸	دارد
۲۰	۳۲۲	۲۵/۴۲	دارد
۲۱	۳۲۵	۲۴/۳۱	دارد
۲۲	۳۲۶	۲۴/۲۸	دارد
۲۳	۳۲۷	۲۴/۲۵	دارد
۲۴	۳۲۸	۲۴/۱۵	دارد
۲۵	۳۲۹	۲۲/۹۹	دارد
۲۶	۳۳۰	۲۴/۲۵	دارد
۲۷	۳۳۱	۲۸/۴۹	دارد
۲۸	۳۳۲	۲۴/۷۰	دارد
۲۹	۳۳۳	۳۲/۰۹	دارد
۳۰	۳۳۴	۲۹/۶۶	دارد
۳۱	۳۳۵	۲۹/۸۸	دارد
۳۲	۳۳۶	۲۹/۸۰	دارد
۳۳	۳۴۴	۲۱/۱۶	دارد
۳۴	۳۴۷	۲۱/۵۹	دارد
۳۵	۳۵۸	۲۴/۶۲	دارد
۳۶	۳۷۷	۱۹/۸۹	دارد
۳۷	۳۸۰	۲۲/۸۳	دارد
۳۸	تالار	۹۵۵/۴۱	۳ باب

## زمین با کاربریهای آموزشی، تجاری و درمانی

ردیف	شماره قطعه	محل	فاز	مساحت	کاربری	شرایط	قیمت (ریال)
۱	۱۴	۳	۴	۱۷۵۲/۲۵	آموزشی (مهد)	نقد	۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۲	۳	۲	۴	۱۹۱۲/۷۴	آموزشی	۳۰٪ نقد مابقی در ۳۶ ماهه	۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۳	۷	۲	۴	۷۲۲		۳۰٪ نقد مابقی در ۳۰ ماهه	۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۴	۱	۱	۴	۳۳/۶۲		۵۰٪ نقد مابقی در ۱۸ ماهه	۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۵	۱۹/۱	۵	۴	۷۲		۵۰٪ نقد مابقی در ۱۸ ماهه	۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۶	۲۹۲	۱	۴	۷۱/۰۵	تجاری	۳۰٪ نقد مابقی در ۳۶ ماهه	۴۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۷	۵۱۹	۱	۴	۱۶۹۳/۵۵		۵۰٪ نقد مابقی در ۱۸ ماهه	۴۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۸	۱	۱۲	۴	۵۵۰۴/۹۷		۳۰٪ نقد مابقی در ۳۶ ماهه	۱۶۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

## زمین های کارگاهی صنعتی واقع در محله ۴۳ فاز ۳

ردیف	شماره واحد	مساحت	مساحت	مساحت	شرایط واگذاری
۱	۶۲	۲۰۱,۲۷	۵,۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۶۲۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد
۲	۶۳	۱۸۳,۲۷	۵,۲۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد
۳	۶۵	۱۹۸,۵۳	۵,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد
۴	۶۶	۱۸۲,۲۸	۵,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد
۵	۶۷	۱۶۶,۰۴	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد
۶	۶۹	۱۴۵,۳۷	۴,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد

## مجتمع تجاری مهستان واقع در محله ۷ فاز ۳ شهر اندیشه

ردیف	شماره واحد	طبقه	مساحت کل	مساحت همکف	مساحت بالکن	شرایط واگذاری
۱	۱۱	هکف	۲۵,۶۵	۱۸,۹۱	۶,۷۴	نقد
۲	۸	هکف	۲۴,۰۴	۱۷,۴۸	۶,۵۶	نقد
۳	۴	هکف	۲۵,۶۵	۱۸,۹۱	۶,۷۴	نقد
۴	۹	هکف	۲۴,۰۴	۱۷,۴۸	۶,۵۶	نقد
۵	۳۸	هکف	۲۴,۶۸	۲۴,۶۸	—	۳۰٪ نقد مابقی در اقساط ۳۶ ماهه
۶	۲۹	هکف	۲۴,۶۸	۲۴,۶۸	—	نقد
۷	۴۰	هکف	۲۸,۵۱	۲۴,۶۸	—	نقد
۸	۴۰a	هکف	۱۴,۵۰	۱۴,۵۰	—	نقد
۹	۴۱a	هکف	۱۴,۵۰	۱۴,۵۰	—	نقد
۱۰	۳۳	هکف	۱۹,۸۰	۱۹,۸۰	—	نقد

## مجتمع تجاری اداری نگارستان واقع در محله ۲۱ فاز ۳ شهر اندیشه

ردیف	شماره واحد	طبقه	مساحت کل	مساحت همکف	مساحت بالکن	شرایط واگذاری
۱	۲۱۰	دوم	۱۵,۹۶	۱۵,۹۶	—	نقد

## مجتمع تجاری ک واقع در فاز ۵ شهر اندیشه

ردیف	شماره واحد	طبقه	مساحت کل	مساحت بالکن	شرایط واگذاری
۱	۱۰	اول	۴۲,۸۸	۱,۰۴۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد
۲	۲۰	اول	۵۱,۴۰	۱,۳۹۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد

اندیشه مختار به فسخ یک جانبه قرارداد بدون مراجعه به محاکم قضائی خواهد بود.

۵- کلیه هزینه های مربوط به نقل و انتقال اسناد، عوارض، هزینه های شهرداری، بیمه، دارائی، ثبت و غیره مربوط به طرفین قرارداد کلاً بعهده خریداران می باشد.

۶- هزینه تبلیغات و چاپ آگهی در روزنامه بر عهده برندگان فراخوان میباشد.

۷- شرکت عمران در رد یا قبول کلیه پیشنهادهای مختار است.

۸- متقاضیان خرید زمین با کاربری درمانی و آموزشی باید مجوز اولیه و موافقت اصولی از دستگاه ذیربط برای احداث در شهر جدید اندیشه را در پاکت پیشنهادی خود داشته باشند و انتقال اسناد مربوط به کلیه زمینهای فوق پس از اخذ پایانکار و بهره برداری مقدور خواهد بود. ۹- تراکم و سطح اشغال زمین با کاربری های مختلف براساس ضوابط و مقررات طرح تفصیلی شهر جدید اندیشه میباشد.

۱۰- متقاضیان میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی [www.andisheh-ntoir.gov.ir](http://www.andisheh-ntoir.gov.ir) مراجعه و یا با شماره تلفنهای ۶۵۵۵۲۲۷۲۷، ۶۵۳۴۸۲۴۴ و ۶۵۵۵۲۷۲۹ (دفتر فروش) تماس حاصل نمایند.

## شرکت عمران شهر جدید اندیشه

واحدهای بازار بزرگ ایرانی اسلامی واقع در محله ۶ فاز ۴				
ردیف	شماره واحد	مساحت (مترمربع)	پارکینگ	طبقه
۳۰٪ نقد مابقی در اقساط ۴۸ ماهه				
شرایط واگذاری				
نقد				
۱	۲	۷۲/۱۴	دارد	اول
۲	۳	۳۴/۲۹	دارد	
۳	۶	۳۵/۲۷	دارد	
۴	۷	۳۴/۶۸	دارد	
۵	۸	۳۴/۷۵	دارد	
۶	۹	۴۵/۱۹	دارد	
۷	۱۰	۴۸/۸۱	دارد	
۸	۱۱	۳۴/۰۰	دارد	
۹	۱۲	۲۴/۴۳	دارد	
۱۰	۲۶	۲۷/۳۱	دارد	
۱۱	۲۷	۴۶/۰۱	دارد	
۱۲	۲۸	۳۹/۶۷	دارد	
۱۳	۲۹	۴۱/۴۷	دارد	
۱۴	۳۰	۳۰/۶۳	دارد	
۱۵	۳۱	۳۰/۴۶	دارد	
۱۶	۳۲	۳۰/۶۸	دارد	
۱۷	۳۳	۴۱/۷۱	دارد	
۱۸	۳۴	۳۶/۶۱	دارد	
۱۹	۳۵	۴۶/۰۱	دارد	
۲۰	۳۶	۲۷/۷۹	دارد	
۲۱	۳۷	۲۹/۶۶	دارد	
۲۲	۳۸	۲۷/۱۴	دارد	
۲۳	۳۹	۴۵/۹۵	دارد	
۲۴	۴۰	۴۸/۴۳	دارد	
۲۵	۴۱	۳۹/۹۰	دارد	
۲۶	۴۲	۳۴/۲۵	دارد	
۲۷	۴۳	۳۴/۲۱	دارد	
۲۸	۴۴	۳۴/۰۶	دارد	
۲۹	۴۵	۲۴/۲۳	دارد	
۳۰	۴۶	۳۴/۵۶	دارد	
۳۱	۴۷	۳۴/۶۴	دارد	
۳۲	۴۸	۳۴/۴۸	دارد	
۳۳	۴۹	۳۴/۲۲	دارد	
۳۴	۵۰	۳۴/۸۵	دارد	
۳۵	۱۳۳	۲۱/۰۰	دارد	
۳۶	۱۳۶	۲۱/۵۷	دارد	
۳۷	۱۳۷	۲۰/۷۰	دارد	
۳۸	۱۳۸	۲۰/۷۷	دارد	
۳۹	۱۳۹	۲۰/۸۲	دارد	
۴۰	۱۴۰	۲۰/۸۲	دارد	
۴۱	۱۴۱	۲۰/۸۵	دارد	
۴۲	۱۵۷	۱۵/۶۰	دارد	
۴۳	۱۵۸	۱۵/۲۱	دارد	
۴۴	۱۵۹	۱۵/۵۱	دارد	
۴۵	۱۶۰	۱۴/۹۹	دارد	
۴۶	۱۶۷	۱۴/۸۹	دارد	
۴۷	۱۶۸	۱۵/۶۰	دارد	
۴۸	۱۶۹	۱۵/۶۷	دارد	
۴۹	۱۷۰	۱۵/۵۹	دارد	
۵۰	۱۷۱	۱۵/۶۳	دارد	
۵۱	۱۷۲	۱۵/۰۴	دارد	
۵۲	۱۸۲	۳۲/۰۳	دارد	
۵۳	۱۸۳	۲۸/۰۶	دارد	
۵۴	۱۸۳a	۱۲/۵۰	دارد	
۵۵	۱۸۴	۱۶/۱۵	دارد	
۵۶	۱۸۵	۲۲/۸۷	دارد	
۵۷	۱۸۸	۱۴/۳۳	دارد	
۵۸	۱۸۸	۱۲/۸۴	دارد	
۵۹	۱۸۹	۱۲/۱۵	دارد	
۶۰	۱۹۰	۲۰/۰۱	دارد	
۶۱	۱۹۱	۲۱/۰۲	دارد	
۶۲	۱۹۲	۲۱/۱۶	دارد	
۶۳	۲۰۸	۱۲/۶۹	دارد	
۶۴	۲۰۹	۲۲/۱۹	دارد	
۶۵	۲۱۰	۲۲/۶۰	دارد	
۶۶	۲۱۱	۱۹/۱۸	دارد	
۶۷	۲۱۲	۱۹/۳۳	دارد	
۶۸	۲۱۳	۱۹/۴۹	دارد	
۶۹	۲۱۴	۱۹/۷۳	دارد	
۷۰	۲۱۵	۱۹/۲۶	دارد	
۷۱	۲۱۶	۱۹/۸۲	دارد	
۷۲	۲۱۷	۲۰/۱۶	دارد	
۷۳	۲۱۸	۲۰/۸۱	دارد	
۷۴	۲۱۹a	۱۲/۸۷	دارد	
۷۵	۲۱۹	۱۸/۴۵	دارد	
۷۶	۲۲۰	۱۶/۰۷	دارد	
۷۷	۲۲۲	۱۵/۵۹	دارد	
۷۸	۲۲۳	۴۱/۲۳	دارد	
۷۹	۲۲۴	۴۲/۴۲	دارد	
۸۰	۲۲۵	۱۹/۵۵	دارد	
۸۱	۲۲۶	۲۵/۱۹	دارد	
۸۲	۲۲۷	۴۹/۱۶	دارد	
۸۳	۲۲۸	۳۶/۲۷	دارد	
۸۴	۲۲۹	۲۱/۳۷	دارد	
۸۵	۲۶۱	۲۰/۲۶	دارد	
۸۶	۲۷۵	۲۰/۱۰	دارد	
۸۷	۲۷۶	۲۰/۰۸	دارد	
۸۸	۲۷۷	۲۰/۰۶	دارد	
۸۹	۲۷۸	۲۰/۳۷	دارد	
۹۰	۲۷۹	۱۹/۸۹	دارد	
۹۱	۲۸۰	۱۵/۳۹	دارد	
۹۲	۲۸۱	۱۷/۳۰	دارد	
۹۳	۲۸۲	۲۴/۹۷	دارد	
۹۴	۲۸۳	۲۰/۶۵	دارد	
۹۵	۲۸۶	۱۹/۷۱	دارد	
۹۶	۲۸۶	۲۱/۱۲	دارد	
۹۷	۲۸۷	۲۰/۴۹	دارد	
۹۸	۲۸۷	۲۴/۶۶	دارد	
۹۹	۲۸۷	۲۴/۶۶	دارد	
۱۰۰	۳۳۸	۲۰/۵۶	دارد	
۱۰۱	۳۳۹	۱۹/۷۷	دارد	
۱۰۲	۳۴۰	۲۱/۲۹	دارد	
۱۰۳		۱۸/۶۵	دارد	







































# فرهنگ

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و دوم - شماره ۲۶۸۹۴

۳



یادداشتی از هموطنی ایرانی در دوردست‌ها

نامه‌ای دیگر از ژاپن

۴-۵

دکتر حسین عسکری

مذاکره «میرزا» با آذری

۵



در کوچه باغ اندیشه

خوشه‌های گندم خداییم

۲

دکتر حسین عسکری

زنده‌یاد علی دهقان

دهقان رفت

۳



زندگینامه فردی ناشناخته

برای برکت

۷

دکتر حسین عسکری



در پاسخ به ویل دورانت

فلسفه‌ای راحت و خودمانی


درباره استاد دکتر مهدی محقق  
از ادب تا تاریخ

بیشتر سخنان ما مربوط به رازی می‌شد. آن مرحوم مرا تشویق می‌کرد که به تحقیق درباره افکار فلسفی و اندیشه‌های جهان‌شناسی او بپردازم و همان را موضوع رساله دکترای خود برای آن دانشکده قرار دهم. طی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ که مدیریت بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی فرهنگ به من واگذار شده بود، این فرصت پیش آمد تا کتاب‌های خطی پزشکی و داروشناسی آن کتابخانه را مورد تصفح و توثیق قرار دهم و برای نخستین بار، در آن‌جا به کتاب نفیس «المعالجات البقراطیه» ابوالحسن طبری، دانشمند ایران قرن چهارم، برخورد کردم که هنوز امیدوارم روزی فرا رسد که بتوانم آن را با نسخه‌ای که در کتابخانه اسلر دانشگاه مک گیل موجود است و نسخه‌ای که در سال ۱۹۸۵، به صورت عکس در فرانکفورت چاپ شده، تطبیق دهم و آن را به صورت چاپی منقح و مضبوط در دسترس اهل علم بگذارم.

## کتابخانه مخصوص تاریخ پزشکی

هرچند من درس‌های دوره دکترای علوم معقول را به پایان رسانیدم، ولی رساله دکترای خود را درباره رازی، به دانشگاه ارائه نکردم که آن، به جهت سفر دوساله‌ام به انگلستان برای تدریس زبان و ادب فارسی در دانشگاه لندن بود. از این‌رو به همان دکترای زبان و ادبیات فارسی که در سال ۱۳۳۸ از رساله خود دفاع کرده و براساس آن دانشیار دانشکده ادبیات شده بودم، بسنده کردم.

طی اقامت در انگلستان، این فرصت پیش آمد که از کتابخانه ولکام که مخصوص تاریخ پزشکی است، استفاده کنم و نسخه‌های خطی فارسی و عربی پزشکی را که هنوز فهرست نشده بودند، یک به یک مورد مطالعه و بررسی اجمالی قرار دهم.

پیش از سفر لندن، با استاد فقید مرحوم علی اصغر حکمت، در نشر تفسیر «کشف‌الاسرار و غده‌الابرار» ابوالفضل رشیدالدین میبیدی یزدی همکاری داشتم و تصحیح جلد هشتم آن به من محول شده بود. بدین مناسبت، هفته‌ای یکبار با دوستان دیگر که مجلدات دیگر آن تفسیر را زیر نظر داشتند، در منزل آن استاد گرد می‌آمیدیم و همین آشنایی سبب شد که در مراجعت از لندن، وقتی آن مرحوم در مقام رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران، می‌خواست جشنی به مناسبت هزار و یکصدمین سال تولد رازی برپا کند، از من خواست تا یکی از آثار آن پزشک نامدار و فیلسوف ارجمند را برای طبع آماده سازم تا در میان حضار آن مراسم توزیع شود.

ادامه در صفحات ۵۰۴

بسیاری از اهل علم، به ویژه دانشجویان از من می‌پرسند که چگونه به پزشکی اسلامی و تاریخ آن علاقه‌مند شدم و در جریان کوشش علمی درباره این موضوع قرار گرفتم و فعالیت‌های من در نشر کتاب‌ها و مقاله‌هایی در این فن، در چه موقعیت زمانی و مکانی بوده است. این پرسش آنان کاملاً بجاست؛ چه، از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۵، من به‌طور مستمر - به جز سه‌سالی که در کانادا بودم - در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس نظم و نثر فارسی اشتغال داشتم. طی ۱۰ سال از این مدت، مدیریت این گروه به عهده من بود و در سال‌های اخیر، پیوسته و ناپیوسته، در موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا و موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی موضوع‌های مختلف علوم عقلی اسلامی، به‌ویژه منطق، فلسفه و کلام را تدریس کرده‌ام.

پس چنین باید گفت که پرداختن من به «تاریخ طب اسلامی»، امری تطفلی بوده است و آن را به منزله سرگرمی و فرار از کار اصلی، برای خود برگزیده‌ام! در هر حال، مسلم است که مجموعه‌ای از کارها گویای کوشش و کار راقم سطور در این فن است که در ایران، چندان مشوق و حامی هم ندارد و آنچه انجام داده‌ام، برای آن بوده که قطره‌ای از دریای بیکران کوشش‌های دانشمندان اسلامی را به علم شریف پزشکی که مورد بی‌اعتنایی و فراموشی خود مسلمانان قرار گرفته است، در اختیار اهل علم، خاصه دانشجویان جوان، بگذارم. طی سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ که به تحریر رساله دکترای خود، تحت عنوان «تحقیق در دیوان ناصر خسرو» در دانشکده ادبیات مشغول بودم، به این بیت او برخورد کردم که می‌گوید:

عالم قدیم نیست سوی دانا

مشنو محال دهری شیدا را  
در جست‌وجوی این برآمدم که مراد او از این «دهری شیدا» چه کسی بوده است تا آنکه به زادالمسافرین او مراجعه کردم که در آن‌جا می‌گوید: «اصحاب هیولا چون ایرانشهری و محمدبن زکریای رازی و جز ایشان گفتند که هیولا جوهری قدیم است.» از این‌رو به تحقیق درباره احوال، آثار و افکار رازی متمایل شدم و چون در همان روزگار، دوره دکترای دانشکده الهیات (معقول و منقول پیشین) را در جنب دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی می‌گذراندم، هر هفته از محضر درس استاد فقید دکتر غلامحسین صدیقی بهره‌مند می‌شدم و پس از درس، از پل چوبی که محل آن دانشکده بود تا سرچشمه که منزل استاد بود، او را پیاده همراهی می‌کردم.

آموزه



مولانا

مال‌ها و زرها جمله بی‌حد و بی‌پایان است، اما بر قدر شخص فروید آید، زیرا که افزون از آن بر نتابد و دیوانه شود.

قلم‌انداز

## ذهن‌های شعله‌ور

در واقع، امروز، بعد از چندین قرن دوری و تفاوت و فاصله و اختلاف و تفاوت مقصد، در هزاره جدید همه به یک سمت حرکت می‌کنند و به مرکزی واحد روی و نظر دارند. این مرکز جدید، بدون اینکه گام به وادی ایدئولوژی‌ها و ارزش و اهمیت و قدسیت بعضی از آنها بگذاریم، خود جهان جدید است و کشف مرزهای نوین آن در ساحت زندگی.

اگر آنچه که گفتیم به عنوان واقعیت پذیرفته شود، چند مسئله مهم رخ می‌نماید که به ناگزیر باید به آنها اندیشید و در صدد رفع ابهام از آنها برآمد. به عبارت دیگر، اگر روایتی را که حکایت کردیم درست باشد که به گواه شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی بی‌شمار و زیرساخت‌های اطلاعاتی درست است و هر روز و هر صبح و شام واقعیت خودش را برای ما نشان می‌دهد. باید ببینیم که تکلیف مسائل مرتبط با این روایت چیست و چگونه باید تبیین شود. در حقیقت، در جهانی که با هزاره جدید رخ نموده و اجزاء قدیم و جدید و دور و نزدیک را به هم پیوند زده است، چند موضوع قابل تأمل پدید آمده است که به صورت زیر می‌توان درباره آنها بحث کرد:

۱. جهان جدید، دقیقاً چگونه جهانی است و مختصات آن چیست؟
  ۲. آینده جهان جدید چیست و گذشته چه سرنوشتی در آن پیدا می‌کند؟
  ۳. آیا انسان جدید واقعیت دارد و چه کنش و واکنشی میان انسان جدید و جهان جدید وجود دارد.
  ۴. فعلیت از آن کیست؟ انسان جدید فعال است یا منفعل؟
  ۵. ذهن آدمی در انسان جدید و جهان جدید چه شرایطی پیدا می‌کند؟
- روشن است که هر یک از مسائل مورد اشاره، اهمیت خود را داراست. بدون شک نمی‌توان از کنار این موضوعات به سادگی گذشت. هستی‌شناسی اگر دیروز به آن صورت بود که سقراط و ارسطو و افلاطون مطرح می‌کردند و در این سوی جهان ابن‌سینا و فارابی و ملاصدرا آن را بسط می‌دادند، امروز به این صورت است که بدانیم جهان دیجیتال به کجا می‌رود و چگونه با یک کلیک افق‌ها متلاطم می‌شوند. در این میان، در این نوشتار من سعی خواهم کرد به موضوع پنجم که مسئله و جایگاه ذهن در انسان جدید و جهان جدید است، بپردازم. سؤال اصلی این است که: میان حقیقت‌های تاریخی و گذشته و حقیقت‌های نو که از ذهن جدید ناشی می‌شود، چه ارتباطی وجود دارد؟ ذهن جدید چه خصوصیتی دارد؟ با فرض شناخت ذهن جدید و راه بردن به مشخصات آن، تأثیر ذهن جدید در ذهن‌های دیگر چیست؟ آیا جهان از ذهن تأثیر می‌پذیرد یا این ذهن است که جهان را می‌سازد و می‌پردازد؟

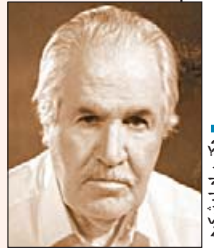
همانگونه که پر پیداست، سخن در این خصوص پر دامنه و پرکرانه است. برای رسیدن به حاق و متن و کنه مسئله باید به صورتی عمیق و جدی اندیشید. این قلمزن، موضوع را با پیش فرضی با عنوان ذهن‌های مشتعل آغاز می‌کند، با این بیان که: ذهن جدید، در دنیای امروزی، در مقایسه با ذهن‌های دیروزی، حالتی مشتعل دارد.

توضیح اینکه اگر آرامش و بی‌قراری انسان‌های دیروزی با ذهن‌هایی ملایم و نظام یافته و منسجم را در کنار ذهن جدید بگذارید، از آشفتگی، بی‌قراری، عدم توازن و آشوب و اضطراب‌های آن، نتیجه‌ای جز این حاصل نخواهید کرد که: ذهن جدید، با نوعی از اشتعال مواجه است که پیوسته آن را به تقلا و تکاپو وامی‌دارد. در حقیقت، در زیر حجم‌های جدید، طوفانی از آتش نهفته است که با هیزم اضطراب و تنش و افکار و اندیشه‌های متعارض و متناقض روشن می‌شود و در اثر مسائل بیرونی و برخوردهای غیرقابل پیش‌بینی و بخصوص آشفتگی‌های فردی و غیرفردی شعله برمی‌دارد و به دلایل مختلف مشتعل تر هم می‌شود.



## فرزانگان

دکتر سیروس برادران شکوهی

مردم تبریز گو  
از رفتن دهقان بنال!  
(شهريار)جناب آقای دکتر  
شکوهی استاد محترم  
تاریخ دانشگاه تبریز  
با عرض ارادت  
و سلام خواستم بدین

وسيله از اینکه مدتی وقت گرانهای خود را صرف خواندن «تاریخ یک ساله آذربایجان» در زمان سلطه پیشه‌وری در این استان نموده و آن را قابل انتشار در دانشگاه تبریز تشخیص داده و چاپ آن را در دانشگاه تأیید فرموده‌اید، سپاسگزاری و تشکر نمایم. از خداوند متعال خواهانم در انجام خدمات فرهنگی همیشه موفق و کامروا باشید.

ارادتمند: علی دهقان. ۷۶/۳/۱۳

سال‌های وانفسایی بود. به قول بزرگ علوی: «شهر خفقان گرفته بود. هیچ‌کس نفسش در نمی‌آمد، همه از هم می‌ترسیدند، بچه‌ها از معلمین‌شان، معلمین از فراش‌ها و فراش‌ها از سلمانی و دلاک، آدمی از سایه‌اش باک داشت. خیابان‌های شهر را آفتاب سوزانی غیرقابل تحمل کرده بود. باغ‌ها تخریب و مأمورین شهرداری تیشه به دست درختان کهنسال کنار کوچه، پس‌کچه‌ها را می‌انداختند». گرمای سوزان محلات دامنه کوه سرخاب تبریز شدت مضاعفی داشت. در چنین فضایی در سال تحصیلی ۱۳۳۲-۱۳۳۱ دبیرستان ما افتتاح می‌شد. از تمام خاطرات گذشته خود از این محل که گورستان نی بود و محل‌های مخروبه حول و حوش آن وداع می‌گفتم.

سال‌های سال وقتی بچه‌های کوی «مجلل»، «قی‌ماقی مجیدی، مسجد قائم‌مقام»، «دره ایچی، داخل دره» سرخاب، با بچه‌های «دوه‌چی، شتربان» دعوی فلاخن‌اندازی می‌کردیم اغلب، آنها و گاهی ما، آنها را از دامنه‌های «مصلای سرخاب»، رانده تا قبرستان محله خودشان که همین حدودها بود و زمین‌های «شمال گرو» و «حاج آبا حاج آقابابا» دنبال می‌کردیم و بعد از کوچه، پس‌کچه‌های خودمان، فاتحانه به محله بازگشته و تا ساعتی از غروب گذشته پای تیر برق چوبی خانه «مجلل» و «قوش‌دانی» رجزخوانی می‌کردیم تا مادرها از پشت‌بام‌ها و سردریندها (بن‌بست)‌ها صدایمان می‌زدند و با ده‌ها امید و شوق دیدارهای بعدی راهی خانه می‌شدیم. هنوز برق و آبیاری نبود. چشمه «حسن پادشاه» بود و چراغ‌های فتری و فانوس‌های فتیله‌ای.

باور نداشتم که آن گورستان مخروبه و مخدوشه، روزی با چنین سالن و صحن و میدان باز، با تعدادی کلاس‌های بزرگ و آفتابگیر و تازه‌ساخت، چنین مراسم و رفت‌وآمد و بیا و بروی را شاهد باشد. مدیر و دبیران و خدمتگزاران همه در تکاپو و جنب‌وجوش و در هیجان و بدون برنامه اینجا و آنجا ولو و در عین حال پر از شور و حال بودند. مدیر دبیرستان مرحوم محمدعلی اربابی بومی اهر ارسباران بود و ناظم‌مان احمد خرمی نیز همچنان، از همه شاخص‌تر دبیر تاریخ و جغرافی‌مان مرحوم نعمت‌الله غزنوی بود، الحق اغلب دبیران سال‌های تحصیلم صاحب شخصیت و تشخیص علمی در حد دبیری و غایت وقار اجتماعی بودند اما در این میان برای ما نوجوانان مرحوم دکتر صمد تیموری، غزنوی و داوران حق و جلیل مراتض که شمشاد را می‌ماندند آیت و غایت آرزوهایمان بودند.

ایران» و بالا رفتن پرچم شیر و خورشید و نصب تابلوی مدرسه بودیم.

بعضی‌ها می‌گفتند نام مدرسه تیمسار شاه‌بختی، و یا دکتر اقبال، است. دهقان گزارش داد. وقار و رفتار او در ایراد خطابه ایده‌آل بود و در میان بهت و حیرت حاضرین، نام مدرسه را به یاد قهرمان نامدار مشروطه و آزادی «سردار ملی» اعلام داشت. حضار به شدت کف زدند، ما دانش‌آموزان هم کف زدیم و هم پای کوفتیم و من اشک هم ریختم، آخر از ستارخان داستان‌ها

پانزدهمین سالگرد منگشت زنده‌یاد علی دهقان

## دهقان رفت



شنیده و شیفته‌اش بودم ولی جو طوری بود که باور نمی‌کردم روزی نام سردار در لوحه مدرسه‌ای نقش بندد. از اینجا به دهقان علاقمند شدم. آخر به محله و شهر ما آبرو داده بود؛ گورستان مخروبه و مزبله‌ای را به دبیرستان تبدیل ساخته بود و به جای ولگردی و لوطی‌گری قلم به دستمان داده و راه انسانیت فرا راهمان قرار داده بود.

چون سال به پایان رسید من خواه ناخواه ناچار به ترک تحصیل شدم و به کلاس‌های متفرقه و شبانه رو آوردم که حکایتی است دیگر، این زمان بگذار تا وقت دگر. هنوز درد یتیمی و نداری با چندین خواهر و برادر و شاهد سال‌های ساخت مادر شوهر مرده، و در این میان همه خود را کناره گرفتن و افتاده را کوفتن و انداختن و رو گرداندن چنانچه شاید و باید تصویر نشده و نگارش نیافته و ما بعد از فوت پدر چند سالی چنین حالی داشتیم. تا در سال ۳۷، بعد از گذراندن دوره تربیت معلم، به عنوان آموزگار پیمانی راهی «ارونق و انزاب» شدم. شبستر بود و دوره ریاست زنده‌یاد فتح‌الله فضل‌اللهی بود.

در شبستر صحبت از اقدامات بنیادی آموزش و پرورش «نوبن» بود. تبدیل محل‌های مخروبه و گورستان‌های متروکه به مدرسه، سر دادن شعار روز که «افتتاح هر مدرسه، بستن در یک زندان است» ورد زبان‌ها بود. یک برنامه بنیادی هم در فرهنگ استان پیاده می‌شد. فراز افتخارآمیزی بعد از دوره حسنعلی‌خان امیر نظام گروسی و ادیب‌السلطنه سمیعی از نظر انجمن‌های فرهنگی و ادبی و علمی و هنری و نمایشی و مطبوعاتی منطقه، شکل می‌گرفت. و ده‌ها و ده‌ها خدمتگزار فراموش شده فرهنگ، احیا و نام‌نامی‌شان در تابلوهای مدارس و مؤسسات علمی و آموزشی و حرفه‌ای و هنری نقش می‌بست. مدارس دخترانه

و پایه‌ی آن، شرکت و نقش دختران و بانوان در فعالیت‌های فرهنگی به جد گرفته می‌شد.

مدیران و رؤسای مسئول و کاری و دلسوز، مسئولیت‌ها را عهده‌دار می‌شدند. یک برنامه اساسی تعلیم و تربیت در حال پیاده شدن بود. حتی کار از کارشناسان مجرب و آزموده دوره دیبده داخلی فراتر رفت. صدای اقدامات دهقان در فرهنگ آذربایجان، در وزارتخانه و پایتخت و مابین جمیع ادارات فرهنگ ایران، زبان به زبان می‌چرخید تا جایی که متخصصان تعلیم و تربیت یونسکو را هم متوجه خود نمود.

روزی در دبستان چهار کلاسه امیرکبیر در محله سیس بی (سی و سه بیگ) شبستر که مدیرش بودم چو افتاد که دهقان با یک متخصص تعلیم و تربیت سازمان یونسکو جهت بازدید مدارس وارد شبستر شده‌اند. بلافاصله از اداره خبر رسید که احتمالاً از مدرسه ما، بازدید شود.

زمستان بود و همه جا برف‌پوش، بلافاصله بچه‌ها را در کلاس‌ها نشاندیم تا به خودشان برسند و رو یقه‌ای سفیدشان را که می‌زدند مرتب کنند. قوطی‌ها و وسایل سمعی و بصری کلاس‌ها را خانه‌تکانی و پاک و تمیز کنند و صحن مدرسه را که گویی پیراهن سفید بر تن کرده، تر و تمیز کردند.

برای نمونه رد پای هم در حیاط مدرسه دیده نمی‌شد. با چه احتیاطی با گذر از کنار درختان مدرسه، مدام به درب دبستان سر می‌زدیم. بیچاره وکیل‌زاده خدمتگزار مدرسه به سالن و اتاق مدیر و گوشه‌گوشه دبستان رسیدگی می‌کرد. آفتابه‌ها را پر از آب می‌نمود و مرتب می‌چید. آموزگاران با صدای بلند درس می‌دادند که یک مرتبه از پیچ کوچه «سیس بی = سی و سه بیگ» دهقان و همراهان و مشاور فرهنگی و تعلیم و تربیت یونسکو «دکتر پتر» سیاه‌بلندقامت و در کنارشان زنده‌یاد فضل‌اللهی ریاست فرهنگ شبستر نمایان شدند.

مدرسه در سکوت محض فرو رفت و یقین داشتم که بعد از بازدید مورد تقدیر و تشویق قرار خواهم گرفت. به محض ورود هیأت به سان سربازخانه گزارش بلندبالا، با صدای قرین به فریاد ارائه دادم. جناب آقای دهقان مدیرکل معظم و ارجمند آذربایجان... وارد مدرسه شدند.

به کوچک‌ترین حرکات و اشاراتشان دقیق بودم. «دکتر ا. ناتان پتر مشاور تعلیمات عمومی فرهنگ» تا صحن مدرسه را دید به انگلیسی مطالبی به مدیر کل گفت و ایشان نیز با سر تأیید کرد. دوری زدند بی‌اینکه وارد کلاس‌ها شوند در حیاط مدرسه صحبتی شد و دسته‌جمعی بازگشتند.

همکاران به من تبریک گفتند که مدرسه‌ای که مرتب و منظم باشد نیازی به دو ساعت دید و بازدید و پرس‌وجو ندارد، فرداست که تقدیرنامه رئیس فرهنگ ابلاغ می‌شود. فردا رئیس فرهنگ، مرا به اداره خواست. گفت: آقای شکوهی، «دکتر پتر» ایراد گرفته که بچه‌های مدرسه بی‌روح بودند. دانش‌آموزان اگر آزاد بودند، با این برف و بارندگی بایستی ده‌ها آدمک برفی می‌ساختند و در و دیوار، نشان از گله‌های آنها داشت. در حالی که از صبح آنها را در کلاس حبس کرده‌اند هنوز دیسپلین است و انضباط خشک، تا تعلیم و تربیت صحیح و تازه و... عجب!

از رئیس فرهنگ ملاحظه داشتم. در دل گفتم که مدیر و آموزگاران، روحیه ندارند تا چه رسد دانش‌آموزان! جو سیاسی و فرهنگی مملکت به تبع از دولت‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در هوای دیگری بود و هوای فرهنگی و خدمات آموزش آذربایجان در هوای دیگر و استثنای دیگر.

ادامه دارد



## نامه

اشاره: در شهر یور ماه سال جاری در همین صفحه مطلبی را منتشر کردیم با عنوان «نامه‌ای از ژاپن». نویسنده نامه یکی از هموطنان دربند ایرانی در ژاپن بود که نوشته اش را به آدرس روزنامه ارسال کرده بود. پس از انتشار آن مطلب، طی نامه‌ای آن شماره «ضمیمه فرهنگی» را به آدرس هموطن عزیزمان در یکی از محبس‌های ژاپن ارسال کردیم. آقای علی جعفری پس از دریافت نامه یاد شده و مطلب چاپ شده خودش، نامه‌ای دیگر برای ما ارسال کرده است که اینک تقدیم علاقمندان می‌کنیم.

نکته پایسته به اشاره و درس آموز این است که این هموطن ایرانی دور افتاده که - غریب و محبوس هم هست - با اینکه به تصریح خودش فاقد تحصیلات عالی است، هم در این نامه و هم در نامه قبلی با معلوماتی جالب و ادبیاتی خوش و زیبا و همراه با ابیات زیبای شعر فارسی بر سر و آستان سخن رفته است که نشان از علاقمندی ایشان به فرهنگ اصیل ایران دارد. نکته دیگر «امید چشمگیر» این هموطن است که امید می‌بریم رو به ازدیاد و تداوم داشته باشد و در نهایت موجب پیروزی و سر بلندی او در کارزار زندگی باشد. از طرف همه خوانندگان روزنامه برای این خواننده دور از وطن از درگاه خداوند آرزوی توفیق و سلامت داریم.

به نام یزدان بخشاینده

ستایش کنم ایسزد پاک را

که گویا و بینا کند، خاک را

(فردوسی)

با عرض سلام و درود خدمت شما سردبیر محترم و جمیع پرسنل مجموعه وزین اطلاعات. نامه پرمهر و محبتان، همراه هدایای ارزنده‌تان را در تاریخ ۹۶/۸/۲۷ تحویل گرفتیم. اصلاً باورم نمی‌شد، نوشته این بی‌مقدار در روزنامه اطلاعات! خدایا شکرت. مگر می‌شود؟ من که باورم نمی‌شود، ولی حقیقت روبرویم بود. وقتی روزنامه‌ای را که برابیم ارسال نمودید، دیدم، بغض کردم. روزنامه‌ای

## زندگینامه فردی ناشناخته ۲/

## برای برکت

اشاره: چندی پیش مطلبی را منتشر کردیم که شرح حال خود نوشت یکی از محصلین علوم دینی در روزگار پهلوی اول بود. نویسنده بدون اینکه اسمی از خود باقی گذاشته باشد، مطالبی را به قلم آورده است که امروزه ارزش تاریخی دارد. آنچه می‌خوانید ادامه همان مطلب است.

✱

...گفتند: باید اول چشم معالجه شود. لذا در معیت آقای دکتر مدرسی - که خدایش جزای خیر دهد- به سه دکتر معروف چشم آن وقت مراجعه: دکتر مهذب، دکتر نجاه دکتر باستانی با اینکه حق المعاینه هم به اندازه معمولی به آقایان داده شد، لکن متأسفانه ظاهراً دقتی نداشتند و نظر همه با هم مخالف بود و آقای دکتر مدرسی خیلی ناراحت شده بود، و به‌شوخی گفت: معلومات آقایان مثل طلبه‌ها می‌ماند، میزان ندارد! به او مزاحاً گفتم: مثل معلومات شماست که دکتر هستید.

به‌سبب این اختلاف نظر آقای مدرسی به‌شرکت عینک‌سازی برلین که متخصصی ظاهراً آلمانی داشت مراجعه و آن شخص حد وسطی از آنها گرفت و بعد از ده روز عینکی به مبلغ یکصد تومان با یک دسته جدید که آن وقت خیلی کم دیده می‌شد، داد. در آن‌زمان که عینک عادی نهایت پنج تومان بود خیلی زیاد به نظر می‌رسید حتی دسته طلا

که بوی عشق می‌داد. بوی وطن، بوی فعالیت و زحمت و تلاش، بوی مرکب و رول کاغذ و صدای ماشین چاپ! بوی حرکت و امید. وقتی نام «دنیای ورزش» را روی پاکت نامه خواندم، بغضم تبدیل به اشک شد و جاری بر روی گونه‌ام. نمی‌دانم حس و حالم را درک می‌کنید یا نه؟ نام «دنیای ورزش» مرا به

جهیزیه‌اش و الباقی را از دوستان که باز هم گلی به جمال معرفتشان، گفتم که شاهد از غیب رسید: نامه‌ای از خانواده‌ام.

کسی نمی‌داند که در زندان به سر می‌برم به غیر از پدر و مادر و دو خواهر کوچکترم. در نامه‌ای که برایتان ارسال کردم، فکر نمی‌کردم که با نام

## نامه‌ای دیگر از ژاپن



گذشته‌های دور برد.

من ۳۸ سال دارم. به زمانی رفتم که دنیایم ورزش بود و ورزش همه دنیایم. به زمانی در اواخر دهه ۶۰ خورشیدی و اوایل دهه ۷۰ زمانی که پول توجیبی‌هایم را جمع می‌کردم تا روز شنبه یا دوشنبه (درست به خاطر نمی‌آید) فرا برسد تا مجله «دنیای ورزش» و دروغ چرا، مجله رقبتان، «کپهان ورزشی» را خریداری کنم. مخصوصاً به خاطر عکس رنگی ۲ صفحه وسطش.

حقیری که در سال ۷۵ در تیم نوجوانان و جوانان یکی از تیمهای نظامی بازی می‌کردم و به گفته آقایان بهروز رهبری‌فر و رضا شاه‌رودی ادموندزیک... لقب «عابدزاده ثانی» را به من داده بودند، ولی جناب آقای عقاب آسیا کجا و من کجا؟ به علت نداشتن پول و پارتی، زمان انتخاب بازیکنان برای تیم اصلی که خدمت نظام وظیفه را به رشته مورد علاقه‌ام پردازم و سپری کنم، به جای من یکی از آشنایان دست‌اندرکار! انتخاب شد! نمی‌دانم حالم را درک می‌کنید یا نه؟

فرموده بودید: با سفارت در ارتباط باش و انشاءالله هرچه زودتر به وطن بازگردی که اگر از دلم خبر داشتید که به قول معروف: «نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم». بفرما! شاهد از غیب رسید.

امروز شنبه است و روز تحویل گرفتن نامه‌ها. گفته بودم که با کلی قرض به این کشور آمدم. ۱۰ میلیون فروختن ماشینی. ۱۲ میلیون پس‌انداز خواهر کوچکترم که خودکار می‌کند برای ساختن

تبرک است دکتر بگیر، دکتر هم عین کلام لقمان الدوله را گفت و بعد به اصرار - آقای مدرسی یک اسکناس پنج‌تومانی برداشت و لوله کرد و ته کیف پول خود گذاشت و فرمود: برای برکت کافی است. دو اسکناس‌ها دادم کمتر از پنج تومانی نبود. روز بعد که روز هفدهم رمضان بود، قم آمدم. رفقا می‌خواستند به اعتکاف بروند (اعتکاف سه روز و سه‌شب توقف در مسجد جامع شهر است بدون اینکه بیرون بیاید و باید هم صائم باشد) لکن من ممنوع از روزه گرفتن بودم. نمی‌دانم چه‌طور شد که من هم تمایل به اعتکاف پیدا کردم و به آقای شفاءالدوله که در مقابل در شرقی صحن مطب داشت و مرد مقدسی بود مراجعه کردم.

مطلب او در طبقه دوم بود و در اطراف درها که مقابل ایوان آئینه در طبقه دوم باشند این اشعار نوشته شده بود:

مطب دکتر اینجاکاخ دخت مصطفی آنجا

بشارت درمندان را دوا اینجا شفا آنجا

در اینجا طب یونانی و تشریح اروپائی

فرامین الهیات و تقدیر قضا آنجا

ایشان فرمودند: شرتی می‌دهم بیاشامید که

روزه برای شما مضر نباشد و به اعتکاف بروید،

نمی‌دانم یا صحیح یا غلط با منع از روزه دکترهای

تهران به اعتکاف رفتم، و در اتاق کوچکی اطراف

ایوان مسجد امام طبقه دوم با چند نفر از رفقا معتکف

شدیم، و چهار اعتکاف شد و تا شب عید فطر آنجا

بودیم، و در اتاق پهلوی ما یکی از اعظم که فعلاً

از شخصیت‌های اول قم است با چند نفر که یکی

از آقایان آقای آسید محمد هندی اهل تبت بود

ازدواج نموده و خدا را شکر دارای فرزندی سالم و پرنرزی ۱۲ ساله می‌باشد و دیگر خواهرم که ۹ سال از من کوچکتر است و همین الان نامه از او به دستم رسید که می‌گوید پیگیر یافتن خانه‌ای اجاره‌ای هستند برای آغاز زندگی مشترک، ولی حس می‌گوید که در فکر تهیه جهیزیه هستند و یافتن خانه را بهانه می‌کنند، آنها درست از وقت دستگیری من نامزد (عقد کرده) می‌باشند.

منی که به اینجا آمدم تا آپارتمان ۵۰ متری مان را که بعد از ۳۰ سال مستأجری، که نه پارکینگ و آسانسور و انباری دارد و ۲۰ سال ساخت می‌باشد را که کلی از اقساط وام مسکنش باقی مانده و در طبقه چهارم واقع می‌باشد را به خاطر پادرد مادرم و کمک به پدرم و خانواده‌ام به طبقه اول منتقل کنم و تدارک جهیزیه برای خواهرم و... که نشد که هیچ، بلاي جانسان شدم!

کلی حرف در سینه دارم. اصلاً نمی‌دانم چرا اینها را برای شما می‌گویم! احساس عجیبی دارم حس می‌کنم سبک می‌شوم که نه شما مرا دیده‌اید و نه من شما را. همین که می‌نویسم می‌دانم که یکی در اوج گمنامی، برادرانه (شاید به خاطر اینکه عمری عقد بی‌برادری را دارم)، می‌شنود، سبک می‌شوم. حرف زیاد دارم و سر‌تان را درد نمی‌آورم و بقیه درد و دلها باشد برای بعد، اگر این اجازه و لطف را به من بنمایید. و اما فرموده بودید که این راه ارتباطی باز است و... و من این فرموده شما را به حساب تشویق می‌گذارم و نه تأیید که تأیید بیش از حد به نظر من انسان را از عرش به فرش می‌رساند و تشویق سازنده است. و من هم می‌خواهم سازنده باشم و یک بحثی را آغاز کنم که انشاءالله مورد قبول واقع شود، البته به نوشته محبوس دیگری نه «علی جعفری». طوری بنویسم که دروغ هم نگفته باشم که از دو چیز در این دنیا متنفرم دروغ و ربا. قبل از اینکه موضوع را آغاز کنم، از پروردگار متعال آرزوی سلامتی و تندرستی را برای یکایک شما عزیزان دارم و اینکه ثابت نمودید «دستهایی که کمک می‌کنند، بهترند از لهایی که دعا می‌کنند». به مانند گذشته به امید الطاف‌تان هستم.

حق یار‌تان

۱۳۹۶/۹/۴ علی جعفری

به‌اعتکاف آمدند.

آقای آسید محمد خیلی مزاح و شوخی می‌کرد و می‌خندید به‌خصوص شب‌ها که مسجد خالی از جمعیت بود و در اعتکاف آخر یک از اعظم حوزه آن عصر با جمعی از تجار به‌اعتکاف آمدند و تشریفات آنان مفصل بود بالنسبه به‌ما. غذا از بیرون برای آنان تهیه می‌شد و می‌آوردند و سفره پر از نعمت‌ها ظاهراً برای آنان انداخته می‌شد. خنده و شوخی‌های آقای هندی به‌نظر آن آقا زشت آمده بود لذا فرستاده بود که: شما اعتکاف آمده‌اید این حرکات چیست؟ آقای سید هندی جواب داد که به‌آقا بگو: اگر این خنده را هم نکنم که خواهم مرد اگر شما راست می‌گویید چهار زن داری یکی از آنان را طلاق بده تا من ازدواج کنم و مخارج را هم بده! یکی از آن عباها، و یک از آن لباس‌ها الی آخر به‌من بده اگر من این حال را داشتم جرم‌هام کن! آن آقا دیگر چیزی نگفت و اعتکاف را هم دیگر ترک کرد.

به هر حال، اعتکاف به‌آخر رسید. درس‌ها شروع شد و با همه سختی‌ها مشغولیم.

معالجات طبق برنامه ادامه دارد و اغذیه از برنامه قبلی تغییر کرده قبل از کسالت عبارت بود: از مختصری نان و حلوا یا ارده شیریه یا ماست و در پنجشنبه و جمعه که که آقای آشیخ محمدعلی رشتی درست می‌کرد یا آگوش که شاگرد نانوايي در مدرسه می‌پخت و لکن به‌حکم کسالت اعیانی شد. ظهرها کره و عسلی یا مربایی مصرف می‌شد و شب‌ها غالباً گوشت یا به و سیب‌زمینی و گوجه یا کته با خرما.

ادامه دارد



ادامه از صفحه اول

برای این کار، با کتاب «السیر«الفلسفیه» او موافقت شد و من برای تحریر مقدمه کتاب که درباره احوال، آثار و افکار رازی بود، ناچار شدم که به منابع دست اول درباره رازی مراجعه کنم.

کتاب «السیر«الفلسفیه» درسال ۱۳۴۳ منتشر شد و مورد قبول اهل علم قرار گرفت و تشویق آنان موجب شد که من آن رشته را راه نکنم و درجذب کارهای دیگر، به تحقیق درباره سایر آثار رازی و دانشمندان پیش از او و هم‌زمان او بپردازم.

طی همین مطالعات، مصمم شدم که درباره تاریخ طب در اسلام و سابقه آن در یونان، هند و ایران مطالعه کنم. برای این منظور، کهن‌ترین تاریخ پزشکان در اسلام، یعنی «تاریخ‌الطبایه و الفلاسفه» اسحاق بن حنین، نظر من را جلب کرد.
خاصه آنکه متن آن، با مقدمه‌ای محققانه از فرانز رزنتال –دانشمند تاریخ‌شناس معروف– در دسترس قرار داشت و من توفیق یافتم که آن را به فارسی ترجمه کنم و در مجله دانشکده ادبیات (شماره ۳، سال ۱۳۴۴) تحت عنوان «آغاز علم طب و تاریخ آن تا زمان رازی» منتشر سازم.

درسال ۱۳۴۴ که به دعوت دانشگاه مک‌گیل به مدت سه‌سال برای تدریس فلسفه و کلام به کانادا عزیمت کردم، این فرصت پیدا شد که از کتابخانه اسلر که به تاریخ پزشکی اختصاص داشت، استفاده کنم؛ به ویژه که کتاب‌های تاریخ پزشکی اسلامی ماکس مایرهوف– مورخ معروف تاریخ طب اسلامی– به آن کتابخانه انتقال یافته بود و حتی برخی از نسخه‌های خطی طبی در آن کتابخانه یافت می‌شدند که در دنیا منحصر به‌فرد بود؛ مانند کتاب «مفردات‌الدویه» غافقی که نسخه‌ای خوش خط و مزین به تصویر بسیاری از درختان و گیاهان دارویی است.

طی مدت این سه‌سال، موفق شدم که مطالعات خود را درباره رازی، با توجه به میراث کهن طب یونانی، توسعه دهم و برای این منظور، مقدماتی از زبان یونانی و لاتین فرا گرفتم و نتیجه مطالعات خود را به صورت مقاله‌هایی متعدد برای نشر در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ارسال داشتم که از جمله آنها مقاله‌های زیر است:

الف) «رازی در طب روحانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره‌های ۲، ۳ و ۴، سال ۱۳۴۵ و شماره ۱، سال ۱۳۶۶. رازی طب روحانی را برای آن

نوشت که عدیل و قرین طب منصوری باشد که آن، در طب جسدانی است و عقیده او بر این است، همچنان که جسم بیمار نیازمند به پزشک است، روح بیمار هم به وسیله پزشک روح باید درمان شود.

درسال ۱۳۴۵ موضوع این مقاله، مبنای سخنرانی من در اجلاسیه سالانه انجمن شرق‌شناسان آمریکا، در دانشگاه فیلادلفیا قرار گرفت که پس از آن، درمجله مطالعات اسلامی (جلد ۲۶، سال ۱۹۷۶) در پاریس منتشر شد. این مقاله، همراه با تحریر انگلیسی آن درسال ۱۳۷۲، به مناسبت نخستین کنگره بین‌المللی اخلاق پزشکی (۲۳–۲۵ تیرماه ۱۳۷۲)، به وسیله معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تجدید چاپ شد. هم‌اکنون تحریر عربی این مقاله، همراه با متن «الطب الروحانی» رازی که براساس نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، با کوشش حقیر فراهم شده و درمجموعه اندیشه اسلامی، به وسیله موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی ملازی چاپ و منتشر می‌شود.

ب) «ردّ موسی بن میمون بر جالینوس و دفاع از حضرت موسی بن عمران(ع)» (مجله دانشکده ادبیات، شماره ۱، سال ۱۳۴۶). این میمون، پزشک و متکلم یهودی، گفته جالینوس در کتاب «منافع الأعضاء» را که معتقد است خداوند جای موی مژه و موی ابرو را نمی‌تواند با هم عوض کند، مگر اینکه دگرگونی در زیرساخت آن فراهم آورد، رد کرده است.

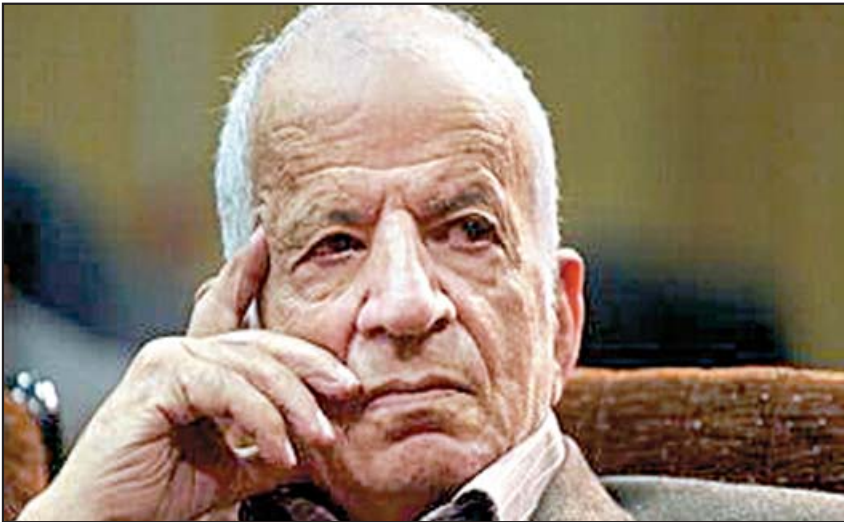
کوشش درتحریر این مقاله موجب‌شد که نگارنده آشنایی بیشتری با اندیشه و آثار این میمون پیدا کند و مقاله‌ای تحت عنوان «ابوعبدالله تبریزی و بیست و پنج مقدمه ابن‌میمون» بنویسد که آن در یادنامه علیمحمد عامری، درسال ۱۳۵۳ منتشر شد و نیز متن عربی شرح بیست و پنج مقدمه ابن میمون در اثبات ذات باری تعالی را تصحیح و درسال ۱۳۶۰، در مجموعه سلسله دانش ایرانی (شماره ۲۶) منتشر سازد. این کتاب که به وسیله فیلسوف مسلمان ایرانی اهل تبریز نگارش یافته است، درسال ۱۵۵۶ میلادی به زبان عربی ترجمه شده و درسال ۱۵۷۴ در وینز ایتالیا به چاپ رسیده است.

ج) «شکوک رازی بر جالینوس و مسئله قدم عالم»، (مجله دانشکده ادبیات، شمار‌های ۲ و ۳، سال ۱۳۶۶) در این مقاله، کتاب «الشکوک علی جالینوس» که حاوی ایرادات رازی بر جالینوس است و نشان می‌دهد که دانشمندان ایرانی مقلد صرف یونانیان نبوده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

براساس همین مقاله، سخنرانی تحت عنوان «النقد العلمی فی الاسلام بالاشاره الی کتاب الشکوک للرازی» ایراد کرد که در سال ۱۹۷۲، متن آن در مجله ابرنهرین،۳ مارس ۱۹۷۵ به وسیله دانشگاه لبنان در بیروت بر گزار شد، ایراد کرد.تحریر انگلیسی این مقاله در یادنامه چارلز آدامز۲ درسال ۱۹۹۱، در لیدن از بلاد هلند چاپ شد و تحریر عربی آن در مجله تاریخ العلوم العربیه (جلد۹، شماره‌های ۱ و ۲) درسال ۱۹۹۱، به وسیله معهدالتراث العلمی العربی وابسته به دانشگاه حلب انتشار یافت.

#### درباره استاد دکتر مهدی محقق

## از ادب تا تاریخ



دکتر مهدی محقق

معرفی کتاب «البیان والتبيين فی الانتصار لجالینوس» که ردّ کتاب الشکوک رازی است و نسخه منحصر به‌فرد آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است، موضوع سخنرانی او در سی و سومین کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی بود که درهفته اول سپتامبر ۱۹۹۲، در گراناا (غرناطه) و سویلا (شپیلیه) از بلاد اسپانیا برگزار شد. (د کتاب علم الهی رازی و مسئله قدمای خهسه»، (مجله دانشکده ادبیات، شماره‌های ۵ و ۶، سال ۱۳۴۷) درسال ۱۳۴۹، براساس مواد این مقاله، او سخنرانی تحت

مرکزی ایران را با او در میان گذاشت. در نهایت پس از مدتی گفت و گو، موافقت شد تا افتتاح مجلس چهارم شورای ملی و تعیین تکلیف قرارداد وثوق الدوله، آتش پس اعلام گردد. براساس آن قرارداد مقرر شد که جنگلی ها ضمن حفظ سلاح خود و استقرار در یک پادگان نظامی در رشت، از مداخله در امور سازمان های دولتی خودداری نمایند. طبق آن قرارداد، امنیت فومات به جنگلی ها سپرده شد. هدف میرزا کوچک خان از مذاکره صلح با آذری، خریدن وقت و فرصت کافی برای تجدید ساختار برهم ریخته نهضت جنگل بود. پس از انعقاد قرارداد صلح، آذری در سوّم بهمن ۱۲۹۸ اعلامیه ای را با عنوان «ابلاغیه حکومت گیلان» منتشر کرد و در آن درباره میرزا نوشت: «میرزا کوچک خان در سابقه خدمات ملی خود را با مخاصمات اخیر جریحه دار نموده بود اینک با تصمیم به اطاعت و انقیاد، خود را به شجاعت عقل و درایت معرفی نموده و مثل بزرگترین رجال مملکت پرست، قلوب ایرانیان را بار دیگر به طرف خود جذب نمود. حریفی که از سه ماه به این طرف در میان مبارزه هدف شدیدترین تعرضات من بود با اتخاذ تصمیم به اطاعت، امروز مرا وادار به پاس احترامات خود نموده و مجبور می نماید که مرعات شرافت و احترامات او را به عموم هموطنان خود علی الخصوص به گیلانیان اکیدا توصیه نمایم. عموم اهالی گیلان از این تاریخ به دولت میرزا کوچک خان و اتباع او را خدمتگزاران صمیمی خود بداندلسته و در هر مورد بایستی خدمات ملی را که از معزی الیه سر زده است تقدیر نماید…»

## آینه

فیلسوف‌ری

پس از مراجعت از کانادا، سخنرانی علمی در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تحت عنوان «مقام علمی و فلسفی محمدبن زکریای رازی» ایراد کرد که درسال ۱۳۶۸، درمجموعه «خاک نیشابور»، (مجله یغما، شماره ۶، سال ۱۳۴۷) صورت مفصل این مقاله تحت عنوان «کتاب رازی درباره گل نیشابوری» در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، شماره تابستان ۱۳۵۲، چاپ شد. تحریر عربی این مقاله، تحت عنوان «کتاب

#### درباره استاد دکتر مهدی محقق

## از ادب تا تاریخ

برای تحلیل و بررسی کتاب‌های رازی ناچار بودم که آثار جالینوس، به ویژه آن آثاری را که رازی از آنها متأثر بود، مطالعه و بررسی کنم. از این‌رو کهن‌ترین فهرست تفصیلی را که در تمدن اسلامی نوشته شده است، به زبان فارسی ترجمه کردم؛ یعنی رساله حنین بن اسحاق به علی بن یحیی را که در آن از ۱۲۹ کتاب جالینوس که به وسیله او و همکارانش از یونانی یا سریانی به عربی ترجمه شده است، نام می‌برد. نخستین‌بار، بخشی از آن درمجله «معارف اسلامی» (شماره ۱۲ فروردین ۱۳۵۰) منتشر شد و سپس، ترجمه همه رساله در کتاب بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی آورده شد که درسال ۱۳۵۵، به وسیله موسسه مطالعات اسلامی انتشار یافت.

الرازی عن الطین النیشابوری» درمجموعه ابحاث الندوه العالمیه تاریخ‌العلوم عندالعرب، درسال ۱۹۷۷، به وسیله معهدالتراث العلمی العربی وابسته به دانشگاه حلب چاپ و منتشر شد و همین، موضوع سخنرانی او به زبان انگلیسی، در بیست و سومین کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی، بود که درسال ۱۳۵۱، در دانشگاه لندن برگزار شد. درسال ۱۹۷۴، متن آن درمجموعه سخنرانی‌های آن کنگره در لندن، به وسیله موسسه تاریخ پزشکی ولکام چاپ و منتشر شد.

وسيله موسسه مطالعات اسلامي چاپ و منتشر شد. درسال ۱۳۵۲ که کنگره جهانی ابوریحان بیرونی، تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تحت عنوان «مقام علمی و فلسفی محمدبن زکریای رازی» ایراد کرد که درسال ۱۳۶۸، درمجموعه سخنرانی‌های آن دانشکده که جلسات آن ماهی یکبار مرتباً برگزار می‌شد، به وسیله کتابفروشی دهخدا چاپ و منتشر شد. درهمین اوقات، مطالبی را که طی سه‌سال اقامت در کانادا، درباره محمدبن زکریای رازی فراهم آورده بودم، به صورت کتابی به نام فیلسوف ری، محمدبن زکریای رازی منظم و مرتب ساختم که در بردارنده بسیاری از مطالب فلسفی و پزشکی در قرون اولیه اسلامی، خاصه زمانی رازی است.

این کتاب که تألیف درجه اول سال ۱۳۴۹ و برنده جایزه سال شناخته شد و به چاپ سوم هم رسید، مورد پسند دانشمندان داخلی و خارجی قرار گرفت و مقالات متعددی درباره آن نگاشته شد؛ از جمله پروفیسور جورج وجدا درمجله آسیایی پاریس ۱۹۷۱ درباره آن نوشت: «تاکنون، درباره رازی کتابی مانند این کتاب نوشته نشده است.» برای تحلیل و بررسی کتاب‌های رازی ناچار بودم که آثار جالینوس، به ویژه آن آثاری را که رازی از آنها متأثر بود، مطالعه و بررسی کنم. از این‌رو کهن‌ترین فهرست تفصیلی را که در تمدن اسلامی نوشته شده است، به زبان فارسی ترجمه کردم؛ یعنی رساله حنین بن اسحاق به علی بن یحیی را که در آن از ۱۲۹ کتاب جالینوس که به وسیله او و همکارانش از یونانی یا سریانی به عربی ترجمه شده است، نام می‌برد. نخستین‌بار، بخشی از آن درمجله «معارف اسلامی» (شماره ۱۲ فروردین ۱۳۵۰) منتشر شد و سپس، ترجمه همه رساله در کتاب بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی آورده شد که درسال ۱۳۵۵، به وسیله موسسه مطالعات اسلامی انتشار یافت.

بعدها نویسنده محتوای این رساله را تجزیه و تحلیل کرد و طی سخنرانی تحت عنوان «ترجمه و نقل علوم بیگانگان در زمان حضرت امام رضا علیه‌السلام»، در دومین کنگره حضرت امام رضا(ع) که درسال ۱۳۶۵ در مشهد برگزار شد، به اهل علم عرضه کرد. این مقاله نخست، درمجموعه سخنرانی‌های آن کنگره و سپس، در دومین «بیست گفتار» در مباحث ادبی و تاریخی و فلسفی و کلامی و تاریخ علوم اسلامی، درسال ۱۳۶۸ به

طباطبایی خرید. او این زمین‌های بار را به روستایی آباد به نام «قلعه آذری» تبدیل کرد. همچنین در سال ۱۳۰۷ش قراردادی با اداره کل مالیات و خالصیات ایالت تهران منعقد کرد تا مهمانخانه‌ای را در اراضی هشتگرد خالصه (هشتگرد) بسازد. این قرارداد ۵۰ صفحه ای در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. آذری در سال ۱۳۰۲ش در دوره پنجم مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه شهریار، ساوجبلاغ و کردان نامزد شد اما از میرزا بالله دهستانی (۱۳۴۶ش) شکست خورد. او در سال ۱۳۱۲ش درگذشت و در آرامستان امامزاده عبدالله شهر ری به خاک سپرده شد. فرهنگ آذری (م ۱۳۸۵ش) دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق سیاسی از دانشگاه تهران، پدرش را ادامه داد و علاوه بر کشاورزی، مدرسه ای را در روستای قلعه آذری ساخت. او در سال ۱۳۴۵ش با عنوان کارمند عالی رتبه وارد وزارت دارایی شد.

منابع:
ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، ص ۲۲۰؛ یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۱۳۹ ؛ سید محمدتقی میرابوالقاسمی، دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل، ص ۱۴۱؛ فیروز یاروی، کارنامه کرج، کتاب ششم، ص ۷۴؛ فصلنامه اباد بهارستان، دوره جدید، ش ۱، ص ۹۷؛ ابراهیم اصلاح عربانی و همکاران، کتاب گیلان، ج ۲، ص ۲۰۱؛شاپور روستائی، ستارخان، خیابانی، میرزا کوچک جنگلی: ایران رها از فقر و ظلم، ص ۸۷؛ محسن صدر، خاطرات صدرالاشراف، ج ۲۴؛ گفت و گو: نگارنده با سپهر آذری (نوه میرزا احمدآذری)، ۲۳ آبان ۱۳۹۶.

آذری پــس از برکنــاری از حکــومت گیلان، در سال ۱۳۰۰ش به منطقه ساوجبلاغ آمد و اراضی موسوم به چریشــک واقع در غرب استان البرز را از فردی به نام

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۶ – سال نودودوم – شماره ۲۶۸۹۴

#### لوح/کریم فیضی

#### در کوچه باغ اندیشه – ۶۳

## خوشه‌های گندم خداییم

خوشه گندم است.

بزرگترین و موثرترین عامل سلوک هم در اوج هم در سقوط انسانها و همنوعان سالکند. فروتنی حقیقی برای خلق‌الله، سالک را برمی‌کشد و تکبر ساقطش می‌کند.

زندگی فرصتی است برای انتخاب و تعیین «بقا» و «فنا». آنکه بقا را انتخاب کند، فانی می‌شود و آنکه فنا را برگزیند، بقا می‌یابد.

جهان، خانه جاییابی‌هاست. بسیاری چیزها و بسیار کس‌ها جابجا شده‌اند جابجا هستند و جابجا خواهند بود. جابجا شدگی سیرت جهان است.

هزاران کار بی علت جهان، هر کدام هزارها علت دارد، اما از ما پوشیده است.

انسان علم خود را «علت» تلقی می‌کند و جهل خود را «عدم علت» و «نبود دلیل». آنجا که علمی پیدا می‌کند، از وجود علت سخن می‌گوید و آنجا که علم پیدا نمی‌کند، از نبود دلیل فریاد می‌زند.

معرفت در انسان زمانی نمایان می‌شود که از «انا دلیل» به «انا» تنزل کند و از آن هم تنزل کند. آنجا که «انا» مبدا به «هو» شود معرفت آغاز می‌شود و البته نقطه پایان هم همین است.

خداوند منتظر انسان می‌ماند هرچند انسان نداند و نخواهد که بداند. معنای اختیار چیزی غیر از این نیست.

فعل خداوند معنای اختیار و فعل انسان، معنای جبر است. چه جای شگفت که جبر انسان، از خودش تا خدا را شامل می‌شود.

جامعه ای که ملاک حق و باطل در آن زود رسیدن و دیر رسیدن باشد، جنگلی بیش نیست.

مرگ پرونده زمین را می‌ببندد و پرونده آسمان را می‌گشاید. با مرگ از پرونده‌ای به پرونده ای دیگر منتقل می‌شویم.

درست لحظه‌ای که پیمانۀ زندگی که بر شود، مرگ چونان فرشته‌ای حاضر می‌شود و اجازه نمی‌دهد زندگی سقوط کند. اگر مرگ نبود، زندگی بی‌تردید ساقط می‌شد و ساقط می‌کرد.

نخستین گروهی که باید توبه کنند، کسانی هستند که از قرآن کریم سوره‌ای جز توبه نخوانده اند و قرآن را چیزی بیش از سوره توبه نمی‌دانند. آنکه نتواند از سوره توبه عبور کند، چیزی از قرآن دستگیرش نخواهد شد.

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

ایران معارف تاریخ و خود تاریخ را در خود مستحیل کرده است. معرفتی نیست که در ایران نباشد از معارف ادیان یا معرفت اصیل.

اگر فراموش کنیم ناراحت نمی‌شویم و اگر ناراحت نشویم، ناراحت نمی‌شویم.

سیری را که طفل دو ساله در مسیر حیات طی می‌کند، همان است که مرد ۴۰ ساله و پیرمرد ۹۰ ساله طی می‌کند.

انسانها در جهان کاری جز «رفتن» ندارند. عده‌ای پاورچین پاورچین، عده‌ای دوان دوان.

کسی که گذشته اش را فراموش کند و سعی در زدودنش نماید، در دروغ گفتن مرزی پیش چشم نخواهد داشت.

عالمی‌که گذشته‌اش را نادیده بگیرد، جاهلی بیش نیست. در جهل یک انسان همین بس که گذشته‌اش را نادیده بگیرد و از چشم‌ها پنهان کند.

بهره عوام از دین، پوسته دین است. این بهره راهی به دین ندارد. با ایسن حال، عوام بزرگترین مدافعان دین بوده‌اند. تاریخ دین به این موضوع شهادت می‌دهد.

آدمی «حرف الله» و «عدد الله» است. خداوند گوشت و پوست را به حروف و حروف را به اعداد تبدیل می‌کند و این از کیمیاگری و کیمیاکاری اوست.

آنکه فاقد حیات عقلی باشد، نمی‌تواند حیات روحی داشته باشد. عکس این سخن صحیح نیست، چون تلازمی میان داشتن حیات عقلی و روحی نیست .

اخلاق خود به خود نه تعیین می‌شود نه شکل می‌گیرد. آنچه اخلاق را تعیین می‌کند، خود اخلاق نیست، انسان است؛ یعنی جامعه و شرایط.

نمازی که زورش به حسد نرسد، رهاوردی بیش از کبر نخواهد داشت.

برای یک عارف بدهات معاد، هم اندازه بدهات زندگی است. به همین جهت، عارف به مرگ، نزدیکتر از زندگی است.

نماز و عبادتی که انسان را به محضر خداوند نبرد، با ریا و کبر حاصل از عبادت، ششیطان را به حضور انسان می‌آورد.

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک



خوشه گندم است.



ادامه از صفحه اول

برای این کار، با کتاب «السير«الفلسفیه» او موافقت شد و من برای تحریر مقدمه کتاب که درباره احوال، آثار و افکار رازی بود، ناچار شدم که به منابع دست اول درباره رازی مراجعه کنم.

کتاب «السير«الفلسفیه» درسال ۱۳۴۳ منتشر شد و مورد قبول اهل علم قرار گرفت و تشویق آنان موجب شد که من آن رشته را راه‌ناکم و درجذب کارهای دیگر، به تحقیق درباره سایر آثار رازی و دانشمندان پیش از او و هم‌زمان او بپردازم.

طی همین مطالعات، مصمم شدم که درباره تاریخ طب در اسلام و سابقه آن در یونان، هند و ایران مطالعه کنم. برای این منظور، کهن‌ترین تاریخ پزشکان در اسلام، یعنی «تاریخ‌الطبایه و الفلاسفه» اسحاق بن حنین، نظر من را جلب کرد.
خاصه آنکه متن آن، با مقدمه‌ای محققانه از فرانز رزنتال –دانشمند تاریخ‌شناس معروف– در دسترس قرار داشت و من توفیق یافتم که آن را به فارسی ترجمه کنم و در مجله دانشکده ادبیات (شماره ۳، سال ۱۳۴۴) تحت عنوان «آغاز علم طب و تاریخ آن تا زمان رازی» منتشر سازم.

درسال ۱۳۴۴ که به دعوت دانشگاه مک‌گیل به مدت سه‌سال برای تدریس فلسفه و کلام به کانادا عزیمت کردم، این فرصت پیدا شد که از کتابخانه اسلر که به تاریخ پزشکی اختصاص داشت، استفاده کنم؛ به ویژه که کتاب‌های تاریخ پزشکی اسلامی ماکس مایهوف– مورخ معروف تاریخ طب اسلامی– به آن کتابخانه انتقال یافته بود و حتی برخی از نسخه‌های خطی طبی در آن کتابخانه یافت می‌شد که در دنیا منحصر به‌فرد بود؛ مانند کتاب «مفردات‌الدویه» غافقی که نسخه‌ای خوش خط و مزین به تصویر بسیاری از درختان و گیاهان دارویی است.

طی مدت این سه‌سال، موفق شدم که مطالعات خود را درباره رازی، با توجه به میراث کهن طب یونانی، توسعه دهم و برای این منظور، مقدماتی از زبان یونانی و لاتین فرا گفتم و نتیجه مطالعات خود را به صورت مقاله‌هایی متعدد برای نشر در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ارسال داشتم که از جمله آنها مقاله‌های زیر است:

الف) «رازی در طب روحانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره‌های ۲، ۳ و ۴، سال ۱۳۴۵ و شماره ۱، سال ۱۳۶۶.
رازی طب روحانی را برای آن

نوشت که عدیل و قرین طب منصوروی باشد که آن، در طب جسدانی است و عقیده او بر این است، همچنان که جسم بیمار نیازمند به پزشک است، روح بیمار هم به وسیله پزشک روح باید درمان شود.

درسال ۱۳۴۵ موضوع این مقاله، مبنای سخنرانی من در اجلاسیه سالانه انجمن شرق‌شناسان آمریکا، در دانشگاه فیلادلفیا قرار گرفت که پس از آن، درمجله مطالعات اسلامی (جلد ۲۶، سال ۱۹۷۶) در پاریس منتشر شد. این مقاله، همراه با تحریر انگلیسی آن درسال ۱۳۷۲، به مناسبت نخستین کنگره بین‌المللی اخلاق پزشکی (۲۳–۲۵ تیرماه ۱۳۷۲)، به وسیله معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تجدید چاپ شد. هم‌اکنون تحریر عربی این مقاله، همراه با متن «الطب الروحانی» رازی که براساس نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، با کوشش حقیر فراهم شده و درمجموعه اندیشه اسلامی، به وسیله موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی ملازی چاپ و منتشر می‌شود.

ب) «ردّ موسی بن میمون بر جالینوس و دفاع از حضرت موسی بن عمران(ع)» (مجله دانشکده ادبیات، شماره ۱، سال ۱۳۴۶). این میمون، پزشک و متکلم یهودی، گفته جالینوس در کتاب «منافع الأعضاء» را که معتقد است خداوند جای موی مژه و موی ابرو را نمی‌تواند با هم عوض کند، مگر اینکه دگرگونی در زیرساخت آن فراهم آورد، رد کرده است.

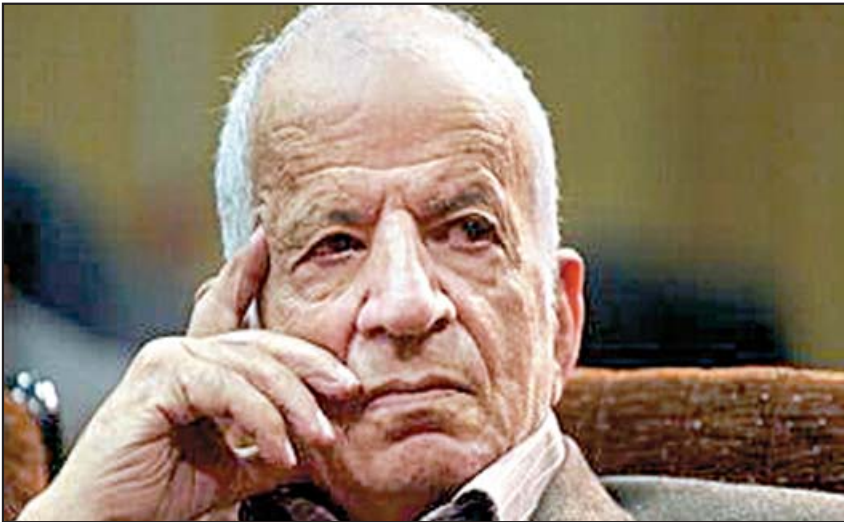
کوشش درتحریر این مقاله موجب‌شد که نگارنده آشنایی بیشتری با اندیشه و آثار این میمون پیدا کند و مقاله‌ای تحت عنوان «ابوعبدالله تبریزی و بیست و پنج مقدمه ابن‌میمون» بنویسد که آن در یادنامه علیمحمد عامری، درسال ۱۳۵۳ منتشر شد و نیز متن عربی شرح بیست و پنج مقدمه ابن میمون در اثبات ذات باری تعالی را تصحیح و درسال ۱۳۶۰، در مجموعه سلسله دانش ایرانی (شماره ۲۶) منتشر سازد. این کتاب که به وسیله فیلسوف مسلمان ایرانی اهل تبریز نگارش یافته است، درسال ۱۵۵۶ میلادی به زبان عربی ترجمه شده و درسال ۱۵۷۴ در وینز ایتالیا به چاپ رسیده است.

ج) «شکوک رازی بر جالینوس و مسئله قدم عالم»، (مجله دانشکده ادبیات، شمار‌های ۲ و ۳، سال ۱۳۶۶) در این مقاله، کتاب «الشکوک علی جالینوس» که حاوی ایرادات رازی بر جالینوس است و نشان می‌دهد که دانشمندان ایرانی مقلد صرف یونانیان نبوده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

براساس همین مقاله، سخنرانی تحت عنوان «النقد العلمی فی الاسلام بالاشاره الی کتاب الشکوک للرازی» ایراد کرد که در سال ۱۹۷۲، متن آن در مجله ابرنهرین،۳ مارس ۱۹۷۵ به وسیله دانشگاه لبنان در بیروت بر گزار شد، ایراد کرد.تحریر انگلیسی این مقاله در یادنامه چارلز آدامز۲ درسال ۱۹۹۱، در لیدن از بلاد هلند چاپ شد و تحریر عربی آن در مجله تاریخ العلوم العربیه (جلد۹، شماره‌های ۱ و ۲) درسال ۱۹۹۱، به وسیله معهدالتراث العلمی العربی وابسته به دانشگاه حلب انتشار یافت.

### درباره استاد دکتر مهدی محقق

## از ادب تا تاریخ



دکتر مهدی محقق

معرفی کتاب «البیان والتبيين فی الانتصار لجالینوس» که ردّ کتاب الشکوک رازی است و نسخه منحصر به‌فرد آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است، موضوع سخنرانی او در سی و سومین کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی بود که درهفته اول سپتامبر ۱۹۹۲، در گراناا (غرناطه) و سویلا (شپیلیه) از بلاد اسپانیا برگزار شد. (د کتاب علم الهی رازی و مسئله قلمای خمسه»، (مجله دانشکده ادبیات، شماره‌های ۵ و ۶، سال ۱۳۴۷) درسال ۱۳۴۹، براساس مواد این مقاله، او سخنرانی تحت

مرکزی ایران را با او در میان گذاشت. در نهایت پس از مدتی گفت و گو، موافقت شد تا افتتاح مجلس چهارم شورای ملی و تعیین تکلیف قرارداد وثوق الدوله، آتش پس اعلام گردد. براساس آن قرارداد مقرر شد که جنگلی ها ضمن حفظ سلاح خود و استقرار در یک پادگان نظامی در رشت، از مداخله در امور سازمان های دولتی خودداری نمایند. طبق آن قرارداد، امنیت فومات به جنگلی ها سپرده شد. هدف میرزا کوچک خان از مذاکره صلح با آذری، خریدن وقت و فرصت کافی برای تجدید ساختار برهم ریخته نهضت جنگل بود. پس از انعقاد قرارداد صلح، آذری در سوّم بهمن ۱۲۹۸ اعلامیه ای را با عنوان «ابلاغیه حکومت گیلان» منتشر کرد و در آن درباره میرزا نوشت: «میرزا کوچک خان در اوبخت، دیگر آنکه وثوق الدوله می خواست با جایگزینی چهره ای معتدل به جای تیمورتاش و نرمش با جنگلی ها، اوضاع را اندکی آرام کند تا بتواند اعتراضات گسترده عمومی نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ را مدیریت کند. مردم در این قرارداد با عنوان «مسند فروش ایران» یاد می کردند. براساس قرارداد ۱۹۱۹ بایستی همه امور کشوری و لشکری ایران زیر نظر مستشاران انگلیسی و با اجازه آنان انجام می شد. آذری که پیشکار دارایی گیلان بود پس از آن، کفالت حکومت گیلان را عهده دار شد. در برخی منابع آمده که او باطنا به نهضت جنگل خوشبین بود. به همین جهت و جنگلی ها از راه مذاکره وارد شد. او با میرزا کوچک خان دیدار کرد و راه حل های پایان منازعه جنگلی ها با دولت زده است تقدیر نمایید…»

همین عنوان در کنگره بین المللی خاورشناسان که در دانشگاه ملی استرالیا، واقع در شهر کانبرا برگزار شد، ایراد کرد که در سال ۱۹۷۲، متن آن در مجله ابرنهرین،۳ مارس ۱۹۷۵ به وسیله دانشگاه لبنان در بیروت برگزار شد، ایراد کرد.تحریر انگلیسی این مقاله در یادنامه چارلز آدامز۲ درسال ۱۹۹۱، در لیدن از بلاد هلند، چاپ و منتشر شد. «خاک نیشابور»، (مجله یغما، شماره ۶، سال ۱۳۴۷) صورت مفصل این مقاله تحت عنوان «کتاب رازی درباره گل نیشابوری» در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، شماره تابستان ۱۳۵۲، چاپ شد. تحریر عربی این مقاله، تحت عنوان «کتاب

### فیلسوف‌ری

پس از مراجعت از کانادا، سخنرانی علمی در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تحت عنوان «مقام علمی و فلسفی محمدبن

زکریای رازی» ایراد کرد که درسال ۱۳۶۸، درمجموعه سخنرانی‌های آن دانشکده که جلسات آن ماهی یکبار مرتباً برگزار می‌شد، به وسیله کتابفروشی دهخدا چاپ و منتشر شد. درهمین اوقات، مطالبی را که طی سه‌سال اقامت در کانادا، درباره محمدبن زکریای رازی فراهم آورده بودم، به صورت کتابی به نام فیلسوف ری، محمدبن زکریای رازی منظم و مرتب ساختم که در بردارنده بسیاری از مطالب فلسفی و پزشکی در قرون اولیه اسلامی، خاصه زمانی رازی است.

این کتاب که تألیف درجه اول سال ۱۳۴۹ و برنده جایزه سال شناخته شد و به چاپ سوم هم رسید، مورد پسند دانشمندان داخلی و خارجی قرار گرفت و مقالات متعددی درباره آن نگاشته شد؛ از جمله پروفیسور جورج وجدا درمجله آسیایی پاریس ۱۹۷۱ درباره آن نوشت: «تاکنون، درباره رازی کتابی مانند این کتاب نوشته نشده است.» برای تحلیل و بررسی کتاب‌های رازی ناچار بودم که آثار جالینوس، به ویژه آن آثاری را که رازی از آنها متأثر بود، مطالعه و بررسی کنم. از این‌رو کهن‌ترین فهرست تفصیلی را که در تمدن اسلامی نوشته شده است، به زبان فارسی ترجمه کردم؛ یعنی رساله حنین بن اسحاق به علی بن یحیی را که در آن از ۱۲۹ کتاب جالینوس که به وسیله او و همکارانش از یونانی یا سریانی به عربی ترجمه شده است، نام می‌برد. نخستین‌بار، بخشی از آن درمجله «معارف اسلامی» (شماره ۱۲ فروردین ۱۳۵۰) منتشر شد و سپس، ترجمه همه رساله در کتاب بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی آورده شد که درسال ۱۳۵۵، به وسیله موسسه مطالعات اسلامی انتشار یافت.

بعدها نویسنده محتوای این رساله را تجزیه و تحلیل کرد و طی سخنرانی تحت عنوان «ترجمه و نقل علوم بیگانگان در زمان حضرت امام رضا علیه‌السلام»، در دومین کنگره حضرت امام رضا(ع) که درسال ۱۳۶۵ برگزار شد، به اهل علم عرضه کرد. این مقاله نخست، درمجموعه سخنرانی‌های آن کنگره و سپس، در دومین «بیست گفتار» در مباحث ادبی و تاریخی و فلسفی و کلامی و تاریخ علوم اسلامی، درسال ۱۳۶۸ به چاپ و منتشر شد.



فربم می دهد و برای برهم زدن کار جنگل، پول زیادی از او می گیرد و یک چند تن از همراهان میرزا کوچک خان را با نقبتی که میان آنها می کند با خود همراه می سازد. میرزا به دست آنها کار جنگل را بسازد. آذری به حکومت مرکزی وانمود می کند که جنگلیان به ستوه آمده [و]ا بیچاره شده اند و ناچار از صلح و سازش هستند و در این زمینه تلگراف هایی مشعر بر اظهار اطاعت و انقیاد از میرزا کوچک خان به وثوق الدوله مخابره می نماید.» از اشتباهات تاریخی دولت آبادی در کتاب «حیات یحیی» آن است که اعطای امان نامه به دکتر حشمت طالقانی و اعداام را به آذری نسبت می دهد. این در حالی است که آذری پس از تیمورتاش و شهادت دکتر حشمت عهده دار حکومت گیلان شد.

آذری پــس از برکنــاری از حکومت گیلان، در سال ۱۳۰۰ش به منطقه ساوجبلاغ آمد و اراضی موسوم به چریشــک واقع در غرب استان البرز را از فردی به نام

وسيله موسسه مطالعات اسلامي چاپ و منتشر شد. درسال ۱۳۵۲ که کنگره جهانی ابوریحان بیرونی، به وسیله شورای عالی فرهنگ و هنر، در تهران برگزار شد، راقم سطور متن عربی رساله ابوریحان درباره آثار رازی را که برای نخستین‌بار، درسال ۱۹۳۶، در پاریس و به وسیله پل کراوس نشر شده بود، تصحیح مجدد کرد و همراه با ترجمه فارسی آن، به آن کنگره تقدیم داشت. تحلیل و بررسی آن رساله موضوع سخنرانی او در کنگره جهانی ابوریحان بیرونی بود که درهمان سال در کابل برقرار شد و تحریر انگلیسی آن درمجموعه‌ای که درسال ۱۹۷۹، به یادبود ابوریحان، در کراچی چاپ شد، انتشار یافت.

نگارنده درسهال ۱۳۶۰ که دانشگاه‌های کشور تعطیل بود، برای دو و نیم‌سال، جهت تدریس در دانشگاه مک‌گیل به کاناداعزیمت کردو با کتابخانه اسلر که مخصوص تاریخ پزشکی است، تجدید عهد کرد و این‌بار، مطالعات خود را درباره پزشک و جراح معروف مسلمان اسپانیایی، ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی، قرار داد و نتیجه گوشه‌ای از مطالعات او به صورت دو مقاله درآمد که هر دو درمجله نشردانش منتشر شد. مقاله نخستین تحت عنوان «آگاهی‌هایی درباره جراحی در اسلام» درمجله نشر دانش (شماره‌های بهمن و اسفند ۱۳۶۱) به چاپ رسید. براساس همین مقاله، نویسنده سخنرانی در بیست و نهمین کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی که درسال ۱۳۶۳ در قاهره برگزار شد، ایراد کرد که متن آن در مجله مجمع اللغة العربیه (فرهنگستان زبان عرب مصر، شماره ۶۴، رمضان ۱۴۰۹/ می ۱۹۸۹) منتشر شد. مقاله دوم تحت عنوان «زهراوی و کتاب التصریف» بود که در مجله نشر دانش (شماره‌های فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۲) چاپ شد.

هرچند کتاب «التصريف لمن عجز عن التألیف» زهراوی چند صدسال قبل به زبان لاتین ترجمه شده و به وسیله آن کتاب جراحی از اسپانیا به دانشگاه مون‌پلیه فرانسه و سپس به دیگر دانشگاه‌های اروپا راه یافته و درسال ۱۹۷۴، متن عربی و ترجمه انگلیسی آن، به وسیله دانشگاه برکلی و درسال ۱۹۸۳، با ترجمه روسی به وسیله آکادمی علوم شوروی سابق منتشر شده بود، ولی برای نخستین‌بار بود که در ایران، با این تفصیل معرفی می‌شد و تحریر این مقاله موجب شد که نگارنده متن آن کتاب را تصحیح مجدد کند و با ترجمه فارسی آن که پس از این، از آن سخن خواهد رفت، آماده چاپ کند.

ادامه دارد

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۶ – سال نودودوم – شماره ۲۶۸۹۴

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان ۳۳۷

لوح/ کریم فیضی

#### در کوچه باغ اندیشه – ۶۳

## خوشه‌های گندم خداییم

خوشه گندم است.



بزرگ‌ترین و موثرترین عامل سلوک هم در اوج هم در سقوط انسانها و همنوعان سالکند. فروتنی حقیقی برای خلق‌الله، سالک را برمی‌کشد و تکبر ساقطش می‌کند.

زندگی فرصتی است برای انتخاب و تعیین «بقا» و «فنا»، آنکه بقسا را انتخاب کند، فانی

می‌شود و آنکه فنا را برگزیند، بقا می‌یابد.

جهان، خانه جاییایی هاست. بسیاری چیزها و بسیار کس‌ها جابجا شده‌اند جابجا هستند و جابجا خواهند بود. جابجا شدگی سیرت جهان است.

هزاران کار بی علت جهان، هر کدام هزارها علت دارد، اما از ما پوشیده است.

انسان علم خود را «علت» تلقی می‌کند و جهل خود را «عدم علت» و «نبود دلیل»، آنجا که علمی پیدا می‌کند، از وجود علت سخن می‌گوید و آنجا که علم پیدا نمی‌کند، از نبود دلیل فریاد می‌زند.

معرفت در انسان زمانی نمایان می‌شود که از «انا دلیل» به «انا» تنزل کند و از آن هم تنزل کند. آنجا که «انا» مبدل به «هو» شود معرفت آغاز می‌شود و البته نقطه پایان هم همین است.

خداوند منتظر انسان می‌ماند هرچند انسان نداند و نخواهد که بداند. معنای اختیار چیزی غیر از این نیست. تبدیل می‌کند و این از کیمیاگری و کیمیاکاری اوست.

آنکه فاقد حیات عقلی باشد، نمی‌تواند حیات روحی داشته باشد. عکس این سخن صحیح نیست، چون تلازمی میان داشتن حیات عقلی و روحی نیست .

جامعه ای که ملاک حقّ و باطل در آن زود رسیدن و دیر رسیدن باشد، جنگلی بیش نیست.

مرگ پرونده زمین را می‌ببند و پرونده آسمان را می‌گشاید. با مرگ از پرونده‌ای به پرونده ای دیگر منتقل می‌شویم.

درست لحظه‌ای که پیمانه زندگی که پر شود، مرگ چونان فرشته‌ای حاضر می‌شود و اجازه نمی‌دهد زندگی سقوط کند. اگر مرگ نبود، زندگی بی‌تردید ساقط می‌شد و ساقط می‌کرد.

نخستین گروهی که پیمانه زندگی که پر شود، هستند که از قرآن کریم سوره‌ای جز توبه نخوانده اند و قرآن را چیزی بیش از سوره توبه نمی‌دانند. آنکه نتواند از سوره توبه عبور کند، چیزی از قرآن دستگیرش نخواهد شد.

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

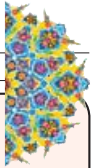
کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک

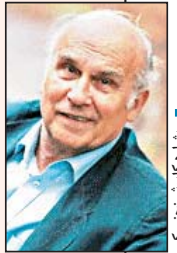
کسی که نتواند حساب «دین» را از «دیندار» جدا کند، نه از عقل بهره کافی برده است نه از انصاف.

مرگ – تلخ یا شیرین – داس است. خوشه‌ها رسیده و نارسیده به دست داس چیده می‌شوند تا درو شوند و در آبسای تقدیر خمیر گردند و نان شوند در تور حکمت بالغه الهی. هر انسانی برای خدا یک





## روایت



ریشارد کاپوشینسکی

ترجمه بهرنگر جیبی

یک حاکم خودکامه اعتقاد دارد انسان جانوری پست و فرومایه است. آدم‌های فرومایه دربارش را پر می‌کنند و دور رو برش را می‌گیرند. جامعه وحشت‌زده تا مدت‌ها همچون توده‌ای آشفته و بی فکر رفتار خواهد کرد. فقط کافی است سیرش کنی تا اطاعت کند.

تفریحات‌شان را که فراهم کنی، دیگر خوشبخت‌اند. زرادخانه‌ی کمابیش کوچک ترفندهای سیاسی هزار سال است که تغییری نکرده. برای همین است که در عرصه سیاست این همه آدم ناشی و نابلد داریم، این همه آدم‌هایی که مطمئنند اگر قدرت داشتند، خوب می‌دانستند چطور باید حکومت کنند.

با این حال، اتفاقات غافلگیرکننده‌ای هم ممکن است بیفتد. این جا جمعیتی خوب خورده و خوب سرگرم شده هست که دست از اطاعت برمی‌دارد و رفته‌رفته چیزی بیش از سرگرمی می‌خواهد. آزادی می‌خواهد و طلب عدالت می‌کند. حاکم خودکامه یک‌ه می‌خورد. او درکی از انسان در اوج کمال و شرافتش ندارد؛ سرانجام هم چنین انسانی که دیکتاتوری را تهدید می‌کند؛ او دشمن این نظام است. بنابراین نظام استبدادی تمام زورش را جمع می‌کند تا او را نابود کند.

دیکتاتوری مردم را تحقیر می‌کند، اما همزمان جان می‌کند تا مردم به رسمیت بشناسندش. چنین نظامی به رغم بی‌قانونی - یا به بیان دقیق‌تر، چون دیکتاتوری بی‌قانون است - خودش را به در و دیوار می‌زند تا مشروعیتی به دست بیاورد. نسبت به این موضوع بی‌اندازه حساس است، حساسیتی بیمارگونه. به علاوه، از یک‌چور احساس حقارت هم رنج می‌برد (البته کاملاً در خفا). در نتیجه، برای این که به خودش و دیگران نشان دهد چطور همه مردم تأییدش می‌کنند، از هیچ کاری دریغ نمی‌کند. حتی اگر این حمایت عمومی صرفاً ادا و اطوار باشد، باز احساس رضایت می‌کند. اصلاً گیریم همه این حمایت‌ها ظاهری باشد، مگر چه می‌شود؟

دنیای دیکتاتوری پر است از تظاهر. شاه هم احساس می‌کرد نیازمند تأیید است. برای همین، بعد خاکسپاری واپسین قربانیان کشتار تبریز، در شهر تظاهراتی هم به حمایت از سلطنت برگزار شد.

هواداران حزب شاه، «رستاخیز»، در مراکز عمومی شهر گرد هم آمدند. تصاویر رهبرشان را در دست داشتند که بر فراز سر همایونی‌اش خورشیدی نقش شده بود. کل دولت در میدان سان حاضر بود. نخست‌وزیر، جمشید آموزگار، جمعیت را خطاب قرار داد. سخنران در شگفت بود که چگونه مشتی هرج و مرج طلب و خرابکار توانسته‌اند اتحاد مردم را درهم بشکنند و آرامش جامعه را مختل کنند:

«این‌ها آن قدر تعدادشان کم است که حتی نمی‌شود بهشان گفت گروه. چند نفری بیش‌تر نیستند.» گفت: خوشبختانه سراسر مملکت یک‌صدا کسانی را محکوم می‌کنند که می‌خواهند خانه و سعادت ما را ویران کنند. بعد بیانی‌های در حمایت از شاه صادر شد. تظاهرات که تمام شد، شرکت‌کنندگان بی‌سر و صدا راهی خانه شدند. بیش‌ترشان را سوار اتوبوس کردند و به شهرستان‌های اطراف فرستادند؛ آن‌ها را برای شرکت در این مراسم از شهرستان به تبریز آورده بودند.

بعد این تظاهرات، شاه حال بهتری داشت. به نظر می‌آمد دوباره سرپا شده. تا آن موقع داشت

با ورق‌هایی پر از لکه‌های خون بازی می‌کرد. حالا تصمیم گرفته بود با یک دست ورق تمیز بازی کند. برای جلب حمایت عمومی، چندتایی از افسرانی را که واحدهای زیر دستشان به مردم تبریز شلیک کرده بودند برکنار کرد. این کار زمزمه ناراضیاتی نظامیان عالی‌رتبه را در پی داشت. برای به دست آوردن دل آن‌ها، دستور داد به مردم اصفهان تیراندازی کنند. مردم با طغیان

لازم را نداشت. می‌توانست بگوید: «دارن راهپیمایی می‌کنن؟ خب بذار راهپیمایی کنن. شش ماه؟ یه سال؟ صبر می‌کنم. به هر حال من که از کاخ جنب نمی‌خورم» و احتمالاً مردم هم سرانجام، سرخورده و بدخلق، برمی‌گشتند به خانه‌هایشان، چون توقع نامعقولی است که مردم تمام عمرشان را توی تظاهرات بگذرانند. اما شاه نمی‌خواست صبر کند. و در سیاست باید بلد



گزارش ریشارد کاپوشینسکی از انقلاب ایران/۳۳

## به سوی پر تگاه

باشی چطور صبر کنی.

یکی دیگر از علل سقوط شاه این بود که کشور خودش را نمی‌شناخت. کل زندگی‌اش را در کاخ گذرانده. احتمالاً وقت‌هایی هم که از کاخ بیرون می‌آمد، کارش به آدمی می‌مانست که وسط سرمایی پرسوز سرش را از لای در اتاقی گرم و نرم بیرون می‌آورد، لحظه‌ای به دور و بر نگاه می‌کند و بعد سرش را می‌برد تو! اما قوانین مشابهی بر حیات همه کاخ‌ها حاکم است، قوانینی که همه چیز را از شکل می‌اندازد و ویران می‌کند. از کهن‌ترین ادوار چنین بوده، چنین هست و چنین هم خواهد بود.

می‌شود ده‌تا کاخ نو ساخت، اما به محض این‌که کار ساختنشان تمام شود، همان قواعدی در آنها حاکم خواهد شد که پنج‌هزار سال قبل در کاخ‌ها حکمفرما بوده است. تنها راه‌حل این است که کاخ را محل گذر بدانیم، مثل تراموا یا اتوبوس. سوار می‌شوی، مدتی سواری می‌کنی و بعد پیاده می‌شوی. چه خوب است آدم یادش باشد در ایستگاه درست پیاده شود و زیاد سوار نماند.

سخت‌ترین کار این است که حین زندگی در کاخ، به زندگی دیگر و متفاوتی فکر کنی؛ مثلاً زندگی خودت، اما بیرون کاخ، منهای کاخ. آن اواخر. حاکم تازه می‌فهمد مردم می‌خواهند کمکش کنند از مخمضه‌ها شود. افسوس که ممکن است در چنین لحظاتی جان افراد بسیاری از دست برود. مسأله‌ی نیکنامی در سیاست، دوگله را در نظر بگیرد، سیاستمداری نیکنام: یک همه‌پرسی را بخت، میزش را جمع و جور کرد، از کاخ بیرون رفت و هیچ‌وقت هم برنگشت. می‌خواست فقط در شرایطی حکومت کند که اکثریت قبولش داشته باشند. لحظه‌ای که فهمید اکثریت دیگر اعتمادی به او ندارد، گذاشت و رفت. اما چند نفر شبیه اویند؟ دیگران گریه سر خواهند داد، اما از جایشان تکان نخواهند خورد. ملت را شکنجه خواهند داد، اما جنب نخواهند خورد. اگر از یک در بیرونشان کنند، دزدکی از در

دیگری می‌آیند تو. اگر با لگد از پله‌ها پریشان کنند پایین، شروع می‌کنند به خزیدن تا دوباره بیایند بالا. اگر مجال ماندن - یا برگشتن - بیابند، طلب عفو می‌کنند، تا کمر خم می‌شوند، ادا درمی‌آورند و به دروغ لبخند می‌زنند. دست‌هایشان را جلو خود می‌گیرند و نشان می‌دهند: می‌بینید، هیچ خون‌ریزی‌شان نیست. اما همین که باید دست‌ها را نشان بدهند کافی است تا از فرط شرمساری آب شوند. جیب‌هایشان را پشت و رو می‌کنند: ببینید، چیز زیادی تویشان نیست. اما همین نشان دادن جیب‌ها...

چقدر خفت‌بار! شاه وقتی از کاخ می‌رفت، گریه می‌کرد. توی فرودگاه هم داشت گریه می‌کرد. مدتی بعد در مصاحبه‌هایش توضیح داد چقدر پول دارد و این که دارایی‌اش کم‌تر از آن است که مردم فکر می‌کنند.

بارها بی‌هیچ قصد و هدفی توی تهران پرسه زدم، همه روز. از خلا کسالت‌بار اتاقم فرار می‌کردم و از رفتار پر خاشاک‌گرانه و تهمت‌آمیز عجزه‌ای که اتاقم را تمیز می‌کرد. همیشه پول می‌خواست. پیراهن‌های تمیز و اتو کشیده‌ام را که تازه از رختشوی‌خانه برگشته بودند بر می‌داشت، توی آب خیسه‌شان می‌کرد، روی بند ی آویزان می‌کرد و دستمزد می‌خواست. برای چه؟ برای خراب کردن پیراهن‌هایم؟ پنجه‌ی استخوانی‌اش همیشه برای گدایی از زیر چادر به بیرون دراز بود. می‌دانستم پول ندارد، اما من هم نداشتم. این را نمی‌فهمید. آدمی که از دنیای بیرون می‌آید بنا به تعریف پولدار است. صاحب هتل‌ها بالا می‌آیند؛ «از دست من کاری بر نمی‌آید. آقای عزیز، یکی از نتایج انقلاب اینه که اون زن حالا قدرت داره».

صاحب هتل مرا متحد بی‌چون و چرای خود می‌دانست، یک ضد انقلاب. نظرات من به گمانش لیبرال می‌آمد؛ آن زمان لیبرال‌ها نیز، مثل قدرقدراتان حاکم، در معرض تندترین حملات بودند. بین خدا و شیطان یکی را انتخاب کن! تبلیغات رسمی از همه توقع داشت موضعشان را صریحاً اعلام کنند. دوره تصفیه‌ها آغاز شده بود، دوره‌ای که آن را «وارسی دست‌های همدیگر» می‌خواندند.

دسامبر را به پرسه‌زدن در شهر گذراندم. شب سال نو، آخرین شب سال ۱۳۷۹، دشت نزدیک می‌شد. دوستی زنگ زد و خبر داد در تدارک یک مهمانی است، یک شب خوشگذرانی حسابی و احتیاطاً مخفی. مرا هم دعوت کرد. جواب رد دادم و گفتم برنامه‌های دیگری دارم. بهتش زد که چنین شبی در تهران چه برنامه‌ای می‌توانم داشته باشم. جواب دادم برنامه‌ای عجیب، که نزدیک‌ترین جواب به حقیقت بود. تصمیم داشتم شب سال نو را بروم به سفارت آمریکا. می‌خواستم ببینم جایی که تمام دنیا داشتند درباره‌اش حرف می‌زدند آن شب چه شکلی است.

ساعت یازده از هتل بیرون زدم. راه زیادی در پیش نداشتم، شاید دو و نیم کیلومتر، راحت می‌شد این مسیر را رفت، چون سرپایینی بود. سرمای هوا در جان آدم رسوخ می‌کرد و باد خشک و سردی می‌آمد. احتمالاً در کوهستان‌ها کولاک داشت بیداد می‌کرد. قدم‌زنان از خیابان‌هایی خالی گذشتم، خیابان‌هایی خالی از عابران و مأموران گشت، خیابان‌هایی خالی از آدمی، البته جز آجیل‌فروشی که در میدان «ولیعهد» توی ده‌ک‌اش نشسته بود و برای درمان ماندن از گزند سرما سرو صورتش را کاملاً با شال گردن‌هایی گرم پوشانده بود. به فروشنده‌های پاییزه خیابان پولنای ورشو می‌مانست.

ادامه دارد





برای ناشر من این موقعیت پیش آمد که نسخه‌ای از نامه پرسش از معنای زندگی را برای مردی بفرستند که به تازگی به عنوان چهارمین مجرم، محکوم به حبس ابد شده بود: اوئن سی. میدلتون: محکوم حبس ابد شماره ۷۹۲۰۶، زندان سینگ سینگ، نیویورک.

زندگی از دیدگاه کسی که این طور ناعادلانه محکوم به ظاهراً چنین آینده‌تبی ای شده بود، چه معنایی داشت؟

اما پاسخ این شخص آن قدر سنجیده بود و آنقدر بیان خوبی داشت که سزاوار بود جایی در این گردآوری داشته باشد. باورم نمی شود که قادر نیستیم از چنین هوش سرشاری استفاده‌ای بهتر از محبوس کردن دائمی او پیدا کنیم.

نویسنده و فیلسوفی برجسته در پی پاسخ به پرسش قدیمی است: معنی یا ارزش زندگی انسان چیست؟ ناشر برجسته‌ای هم از من پرسیده بود چگونه موفق می شوم در چنین شرایطی زندگی را تاب بیاورم.

من - مردی که محکوم به حبس ابد است - در پاسخ به فیلسوف می گویم که معنی زندگی برای من، بستگی دارد و محدود است به توانایی‌ام در تشخیص حقایق بزرگ زندگی و آموختن و بهره بردن از درس‌هایی که زندگی به ما می آموزد. خلاصه اینکه زندگی فقط از این رو ارزش دارد که من عزم می کنم برای ارزشمند کردن آن تلاش کنم. و به ناشر می گویم که زندگی حتی پشت دیوارهای زندان، می تواند فوق‌العاده جالب و ارزشمند باشد، به همان اندازه که برای کسانی که در بیرون از زندان هستند چنین است. در اینجا همه چیز بستگی دارد به ایمانی که انسان به صحبت و استواری فلسفه خود دارد.

ویل دورانت

فلسفه زندگی من فلسفه‌ای راحت و خودمانی است و ترکیبی از بسیاری اعتقادات ساده‌است که حقیقت، ستاره راهنمای آن‌هاست. من با تکیه بر توانایی‌ام در درک زندگی به شکل حقیقی آن، به آن تعادل ذهنی روانی‌ای دل می‌بندم که بدون آن خود را گمگشته در توده‌ای از حدس و گمان‌ها و تأملات متناقض می‌یابم. فیلسوف استدلال می‌کند که «ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که بزرگ‌ترین اشتباه در تاریخ بشر، کشف حقیقت بود. کشف حقیقت ما را خوشبخت نکرد، چون حقیقت زیبا نیست. کشف حقیقت، ما را آزاد نکرد مگر از پندارهایی که تسلی‌مان می‌دادند و از قیدهایی که ما را حفظ می‌کردند. کشف حقیقت هر دلیلی برای وجود داشتن را از ما گرفته است به جز لذت‌های لحظه‌ای و امید ناچیز فردا را.» اگر خوشبختی ما و دلیل ما برای وجود، به تمایل ذاتی‌مان به تسلی‌جستن از پندارها و خرافه‌ها و سنت‌های غلط متکی باشد، در آن صورت می‌توانم با این نظر موافق باشم. باید ناخرسند باشیم وقتی حقیقت ما را از تسلی‌خاطر قابل تردیدشان محروم می‌کند، اما چنین نمی‌کند.

حقیقت زیبا نیست، زشت هم نیست. چرا باید یکی از این‌ها باشد؟

حقیقت حقیقت است، همان‌طور که عدد و رقم، عدد و رقم است. وقتی کسی می‌خواهد وضعیت دقیق کار و کسب خود را بسنجد، از

اعداد و ارقام استفاده می‌کند. اگر ارقام حاکی از وضع غم‌انگیز کسب او باشند، آن‌ها را محکوم نمی‌کند و نمی‌گوید آن‌ها نامطبوع‌اند و متهمشان نمی‌کند که او را از توهم درآورده‌اند. پس چرا باید حقیقت را محکوم کند وقتی حقیقت در امور زندگی فقط به او خدمت کرده همان‌طور که اعداد و ارقام در کارهای تجاری به او خدمت کرده‌اند؟ رگه بت‌پرستی در طبیعت ما، چهره‌ای از حقیقت را پیش خود

چیست و از چه چاه عمیقی می‌جوشد؟ عقل به ما می‌گوید که خوشبختی شکلی از رضایتمندی ذهنی روانی است و - اگر این حرف درست باشد - اقامتگاه منطقی آن باید در درون ذهن باشد. به ما گفته‌اند ذهن این توانایی را دارد که از ماده فراتر برود. آیا در اشتباه هستیم اگر تلقی کنیم که تحت هر شرایطی، حتی در زندان، می‌توان به رضایتمندی ذهنی دست یافت؟

## معنای زندگی در پاسخ به ویل دورانت

# فلسفه‌ای راحت و خودمانی



مجسم می‌کند که جامه‌ای سلطنتی پوشیده، و وقتی حقیقت به صورت متواضعانه خود و با لباس ساده بر ما ظاهر می‌شود، فریاد می‌زنیم: «سرخوردگی».

عرف و سنت باعث شده‌اند حقیقت را با اعتقاداتمان اشتباه بگیریم. عرف، سنت، و حالت زندگی کردنمان ما را به آنجا سوق داده‌اند که باور کنیم نمی‌توانیم خوشبخت باشیم مگر تحت شرایط فیزیکی خاصی که با آسودگی‌های مادی خاصی همراه هستند. این حقیقت نیست، این اعتقاد است. حقیقت به ما می‌گوید که خوشبختی، حالتی از رضایتمندی ذهنی روانی است. رضایتمندی را می‌توان در جزیره‌ای دورافتاده، در شهری کوچک، یا در خانه‌های اجاره‌ای شهرهای بزرگ یافت. می‌توان آن را در کاخ‌های ثروتمندان یا کوخ‌های فقیران یافت.

محصور بودن در زندان موجب بدبختی نمی‌شود؛ اگر غیر از این بود همه کسانی که آزادند خوشبخت بودند. فقر موجب بدبختی نمی‌شود؛ اگر غیر از این بود ثروتمندان خوشبخت بودند. آنان که در شهرهای کوچک زندگی می‌کنند و می‌میرند اغلب خوشبخت هستند، یا خوشبخت‌تر از خیلی از کسانی‌اند که تمام زندگی‌شان را در سفر سپری می‌کنند. زمانی سیاه‌پوست مسنی را می‌شناختم که نمی‌توانست معنی ساده‌ترین کلمات را بگوید، با این حال او خوشبخت‌تر از استاد دانشگاهی بود که برایش کار می‌کرد. هندی‌ها خوشبخت‌اند، همین‌طور چینی‌ها، آفریقایی‌ها، اسپانیایی‌ها، و ترک‌ها.

شمال، جنوب، شرق و غرب، همه آدم‌هایی خوشبخت دارند. آدم‌های مشهوری هستند که خوشبخت‌اند، و آدم‌های خوشبخت زیادی هستند که زندگی‌های ناشناخته‌ای دارند و مشهور نیستند. خوشبختی نه نژادی است، نه مالی، نه اجتماعی، نه جغرافیایی. پس خوشبختی

هستند کسانی که می‌خواهند ما باور کنیم اندیشه، اکتشاف و اختراع آشکارا نشان می‌دهند که زندگی کسب و کاری بی‌ثمر و ناامیدکننده است و بشر موجود درماده‌ای است که محکوم به شکست و فراموشی است. و از این چشم‌انداز تیره و تار، انسان برمی‌گردد و با تعجب می‌گوید: «فایده این همه چیست؟» تاریخ طبیعی به ما می‌آموزد که در طرح بزرگ تحول زیستی، که تنها پیشرفت حقیقی و نه مقایسه‌ای محسوب می‌شود، آن شکل‌هایی از حیات که در سازگاری با تغییرات زیستی ناتوان بودند، به کلی محو و نابود شدند. آن‌ها بی‌بهره از آن گزینه سازنده‌ای بودند که ما «اختراع و ابداع» می‌نامیم. زندگی مدام در حال تغییر است، و گسترش اندیشه و اختراع و ابداع این توانایی را به ما می‌دهد که خود را با این تغییرات وفق دهیم. در واقع تناسب و شایستگی ما، تنها امید بقایمان، بستگی دارد به زاینده‌گی نوآوری‌مان.

ماهی دوره ماقبل تاریخ، وقتی در سیر زیستی خود پا پیدا کرد و با آن از زیستگاه اولیه خود بالا رفت، همان قدر نوآور بود که برادران رایت بودند. تی.اس.الیوت در سرزمین بی‌حاصل تصویری بسیار متقاعدکننده از جهانی آشفته پیش رویمان می‌گذارد. اما من جرئت می‌کنم و مقدمه‌ای را که او این تصویر را بر اساس آن ترسیم می‌کند، زیر سؤال می‌برم. علم، اکتشاف، اندیشه، و استدلال و قیاس به ما می‌گویند که جهان نماد زنده نظم و قاعده‌مندی است، و تحول زیستی فقط بر طبق معیارهای انسان در مورد کوری، کور است. دیگر این که بی‌نظمی و آشفتگی فقط در ذهن‌های انسان‌ها وجود دارد. عقل به ما اجازه نمی‌دهد که زندگی را طور دیگری ببینیم. در نظر من، زندگی شبیه رودخانه است و پیوسته به پیش می‌رود.

گرداب‌ها و جریان‌های مخالف هم موجود دارند اما جریان اصلی رو به جلو است.

زندگی نمی‌تواند پسرفت کند، انسان هم نمی‌تواند. انسان بخشی اصل از عالمی است که در آن زندگی می‌کنیم، عالمی که دائم در جنبش و حرکت است و به طرف سرنوشتی مقرر پیش می‌رود. این که حیات امری اتفاقی است نظریه‌ای است که می‌خواهم آن را بپذیرم، اما نتیجه‌اش این نیست که حیات لزوماً بی‌معنی است. هر انسانی که آن قدر عمیق می‌اندیشد که به این نتیجه می‌رسد زندگی فاقد معنی است، مطمئناً باید انسان عاقلی باشد. انسان‌های عاقل کارهای بی‌معنی انجام نمی‌دهند. واداشته می‌شوم از این موضوع نتیجه بگیرم که آن‌ها همدلی کامل با مشرب خود ندارند. هر بار که روزنامه‌ای را برمی‌دارم و مطلبی راجع به کسی می‌خوانم که خودکشی کرده، می‌گویم: «او کسی بود که واقعاً اعتقاد داشت زندگی فاقد معنی است.»

کسانی که انتقاد می‌کنند عصر ماشین منادی انحطاط نژاد شده، این نکته را در نظر نمی‌گیرند که کار دستی امری طبیعی نیست بلکه از عادت‌های اکتسابی انسان است. کار بدی وسیله زمختی بوده که انسان بدوی به مدد آن تلاش می‌کرده خود را به سازگاری برساند و از گزند حوادث در امان بماند؛ روشی برای انجام آن وظایفی که زندگی بر دوشش می‌گذاشته و غلبه بر آن موانعی که زندگی پیش پای او می‌گذاشته. ماشین تنها یک تسریع‌کننده است؛ وسیله موثرتری است برای همان غایت و هدف گذشته، یعنی تلاش برای عقب‌نماندن و ادامه حیات دادن. انسان همان‌طور که نحوه زیستن خود را تغییر داده، باید افکار، عادت‌ها، و شاید حتی شکل خود را هم تغییر دهد. در گذشته، در سده‌های خیلی دور، انسان چندین تغییر و دگرگونی فیزیکی ایجاد کرده‌است، چرا در آینده دوری که به طرف آن رهسپاریم چنین نکند؟ حیات از اعماق دریا تا قسمت‌های کم عمق بالا آمد، و از قسمت‌های کم عمق هم برآمد و تا خشکی ادامه پیدا کرد.

امروز غروب در حیطات زندان، در میان زندانی‌های دیگر ایستاده بودم، با چشمانی رو به آسمان، خیره به منظره بزرگ و زیبای کشتی هوایی لس آنجلس که با شکوه و عظمت بالای سر ما شناور بود. به ذهنم خطور کرد که همان‌طور که موجودات ماقبل تاریخ با تلاش و تقلا از دل دریا به سطح خشکی رسیدند، انسان هم تلاش می‌کند از خشکی فراتر برود و در آسمان سیر کند. چه کسی جرئت می‌کند انکار کند که روزی، انسان از این هم بالاتر خواهد رفت و با کوشش خستگی‌ناپذیر خود به فضای بین سیاره‌ای راه خواهد یافت و از آن، دانشی به چنگ خواهد آورد که او را قادر می‌کند زندگی‌اش را تا سطح سیاره‌ای بسیار رفیع‌تر از این سیاره، سیاره کنونی ما، بالا بکشد، همان‌طور که سیاره ما بالاتر از وضع سیاره انسان ماقبل تاریخ است.

نمی‌دانم تقدیر ما را به چه غایت و مقصد بزرگی هدایت می‌کند؛ اهمیت چندانی هم برای من ندارد. مدت‌ها پیش از رسیدن به آن نقطه، من نقش را بازی کرده‌ام و حرف‌هایم را زده‌ام و از دنیا رفته‌ام. تمام دلمشغولی من این است که نقش خودم را چطور ایفا کنم. تسلی‌خاطر، الهام، و گنجینه‌ام، در علم به این نکته نهفته است که من جزئی جایگزین‌ناپذیر از این حرکت بزرگ، حیرت‌انگیز و پیش‌رونده‌ای هستم که زندگی نام دارد و می‌دانم که هیچ چیز - نه طاعون، نه درد جسمی، نه افسردگی، و نه حتی زندان - نمی‌تواند این نقش را از من بگیرد.

اوئن سی. میدلتون



## امروز در تاریخ

آبادی	فیلم	پارسیایی	بله انگلیسی	شاه توت	خواب کودکانه
محمدرضا بزرگنیا	دراژترین رود چیان	اداره مرزی			دکان خیاری
سفره چرمین			دوستی و محبت		
	استان خرم آباد		مجلس اعیان		
سودای ناله	نیروها	خنسب		معلی در مکه	و
سفید آذری	مزرعه کوچک	اشاره			
		دعای زیر لب			
غزوه صدر اسلام		زود و فوری			
فلانی	لاغر و باریک				
	پافشاری کردن	عافل	نصف		
رمق آخر					
آش					
تعقیب ستارگان					
مهد دلبران					
ن					
آدرس					
عقیده و مسلک					